



توقیف های خودسرانه در افغانستان

فرا خوان برای عملکرد



جلد اول

سفارشات و مرور کلی

بخش حقوق بشر، یوناما
کابل



توقیف های خودسرانه در افغانستان

فراخوان برای عملکرد

جلد اول

سفارشات و مرور کلی

حقوق بشر، یوناما
کابل

جنوری ۲۰۰۹

فهرست

| | |
|--|----|
| اهداء..... | ب |
| سپاسگزاری..... | ج |
| خلاصه راپور..... | د |
| سفارشات..... | و |
| ۱ - مرور کلی..... | ۱ |
| ۲ - تعریف توقیف خود سرانه در افغانستان..... | ۴ |
| ۳- انواع توقیف های خود سرانه در افغانستان..... | ۶ |
| ۴. عوامل ریشه یی نماد های شناسایی شده..... | ۱۳ |
| ضمیمه ۱: سفارشات جوانب زیربط..... | ۱۷ |
| ضمیمه ۲: واژه نامه..... | ۲۴ |
| یادداشت ها..... | ۲۵ |

اهداء

گزارش هذا به یادبود کمالا جنکیرام، همکار اسبق ما اهداء میگردد. کمالا بعد از ختم ماموریتش در افغانستان در جریان یک سفر در کولمبیا جان خود را از دست داد. تعهد وی در راستای کمک به افغانها برای رسیدن به یک زندگی بهتر قابل تقدیر و فراموش ناشدنی است.

سپاسگزاری

هیئت معاونت ملل متحد برای افغانستان (یوناما) از سعی و تلاش تیم حقوق بشر این اداره که از ماه سپتمبر سال ۲۰۰۶ به اینطرف روی این گزارش کار نموده است، سپاسگزاری مینماید. موفقیت کمپاین تحقیق و بررسی توقیف های خودسرانه بدون فداکاری، تعهد و تخصص کارمندان این تیم ناممکن بود.

بخصوص زحمات کریستی فارمر، ساجده بتول حسینی و دارا کتر در موفقیت این پروژه نقش مرکزی داشته است. کریستی مرحله اول نظارت را طرح ریزی و حمایت همکاران مختلف دولتی و غیر دولتی را جلب نموده است. ساجده ستون فقرات مرحله دوم نظارت بوده و نقش هسته‌یی را در مرحله تسوید این راپور ایفا نموده است. دارا با نوشتن مسوده این راپور پروژه متذکره را به پایه اکمال رسانیده است.

حمایت، مشوره و سهمگیری کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در راستای کمپاین تحقیق و بررسی توقیف های خودسرانه در نوشتن این راپور از اهمیت بسزای برخوردار بوده است. حمایت و همکاری وزارت امور داخله، وزارت عدلیه و ستره محکمه یکی از عوامل دیگری در راستای تهیه این راپور به شمار میرود. همکاری سایر شرکا به شمول سازمان توسعه بین المللی و حقوق (IDLO)، برنامه حمایت سکتور عدلی (JSSP) وزارت امور خارجه ایالات متحده امریکا و همکاران دفتر کمیساری عالی حقوق بشر ملل متحد نیز کمپاین تحقیق و بررسی توقیف های خودسرانه را قوت بخشیده اند. بر علاوه حمایت و مشوره های بخش حاکمیت قانون اداره یوناما نیز اهمیت خاصی داشته است.

خلاصه راپور

افغانها در سراسر افغانستان توسط پولیس، خازنولان، قضات و کارمندان محلات توقیف با معمولیت مهیج به شکل غیر قانونی توقیف میشوند. این عمل به شکل سیستماتیک اجرا گردیده و اشکال مختلف دارد. توقیف خود سرانه در تناقض با احکام قانون اساسی افغانستان و موازین بین المللی حقوق بشری که افغانستان به آنها متعهد است، میباشد. بخصوص این عمل حق آزادی و پروسه عادلانه افغان ها را نقض نموده و به کرامت آنها لطمه میزند. عواقب دیگر توقیف خود سرانه اینست که در محلات توقیف افغانستان افراد زیاد تراکم مینمایند. همچنان توقیف خود سرانه فامیل های توقیف شده گان را به سبب از دست دادن منابع درآمد و موقف اجتماعی به مشکلات شدید اجتماعی و اقتصادی غیر ضروری مواجهه میسازد. توقیف خود سرانه به پیمانیه وسیع، اعتماد مردم را نسبت به نظام عدلی و قضایی از بین میرد.

به منظور پایان بخشیدن به این عمل، دولت افغانستان متعهد شده تا توافقنامه افغانستان، ستراتیژی ملی انکشافی افغانستان و همچنان برنامه ملی عدالت را طرح و تدابیر اصلاحی در راستای تطبیق آنها را عملی نماید.

هیئت معاونت ملل متحد برای افغانستان (یوناما) به همکاری کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان از ماه نومبر سال ۲۰۰۶ (عقرب- قوس ۱۳۸۵) الی ماه جولای سال ۲۰۰۸ (جوزا- سرطان ۱۳۸۷) به منظور همکاری با دولت افغانستان از اشخاص توقیف شده در مراکز سلب آزادی وزارت داخله (پولیس) و وزارت عدلیه در سراسر کشور نظارت به عمل آورد. این راپور به اساس نظارت ساحوی ترتیب گردیده، عوامل و اشکال توقیف های خود سرانه را مورد بحث قرار داده و سفارشات لازم را جهت پایان بخشیدن به آن ارائه می نماید. این راپور شامل توقیف های مربوط به دوران منازعه نمیشد به شمول توقیف هایکه توسط ریاست امنیت ملی و یا نیرو های نظامی بین المللی صورت گرفته اند.

اولاً، این نظارت دریافت که **افغانها اکثراً بدون کدام اساس قانونی توقیف شده اند، به شمول جرایم به اصطلاح "اخلاقی"**، نقض وجایب/مکلفیت های قراردادی، نزاع های فامیلی و یا وارد نمودن فشار بالای اقارب یا وابسته گان به منظور اعتراف.

ثانیاً، **شواهدی موجود است که افغانها بخاطر اینکه از حقوق ابتدایی خود صرف نظر نمایند، توقیف شده اند، مخصوصاً حقوقی مانند آزادی بیان و بسیاری از حقوق ابتدایی زنان.**

ثالثاً، افغانها **دون اینکه از کدام ضمانت ابتدایی قانونی مستفید گردند، توقیف میشوند، بسیاری از توقیف ها شکل غیر قانونی را بخود میگیرند.** یکی از ضمانت های اجرایی (بررسی فوری و منظم قانونی بودن توقیف توسط یک محکمه) و یا حق اعتراض نمودن یک توقیف شده علیه اینکه توقیف وی قانونی است یاخیر، در قانون افغانستان گنجانیده نشده است. بنابراین نه تنها جلو توقیف های خود سرانه گرفته نشده بلکه همواره معیاد قانونی آن هم سپری شده است. ضمانت های اجرایی دیگری (مانند حق عدم وادار ساختن یک شخص برای شهادت علیه کسی، و یا حق دسترسی به یک وکیل مدافع) که در قوانین گنجانیده شده اند عملی نمی گردند. نه پذیرفتن قضایا توسط وکلای مدافع و یا کمبود وکلای مدافع به طور خاص یک چالش عمده به شمار میرود چرا که دسترسی به وکیل مدافع و حضور وی یک میکانیزم نظارتی ارزنده را فراهم میسازد که از توقیف های غیرقانونی جلوگیری نموده و تخطی های دیگر را کاهش میدهد. محدوده های زمانی برای توقیف های قبل از محاکمه، که حق محاکمه فوری و بدون تأخیر و یا رهایی از حبس را تضمین میکند، اکثراً مد نظر گرفته نمیشوند ازینرو یک بخش قابل ملاحظه توقیف ها شکل غیر قانونی را بخود میگیرند.

باوجودیکه عوامل دیگر مثل منابع و مهارت های مسلکی نقش خود را دارند، به صورت عموم، یوناما دریافت که این نمادها به پنج عامل عمده ارتباط دارند.

اول، **مفکوره های متفاوتی در مورد عدالت** در افغانستان وجود دارند - سیستم رسمی عدالت، - سیستم غیررسمی عدالت و رسوم و عادات فرهنگی و مذهبی. این مفکوره های متفاوت به اصل مجرمیت منتهی شده و شامل سیستم عدالت جزائی میگردد که منجر به درک متفاوت از توقیف و ضمانت های اجرایی گردیده و مقامات را در رابطه به توقیف تحت تاثیر قرار میدهند. همچنان این مفکوره های متفاوت یک مخالفت عمومی را نسبت به وکلای مدافع به بار آورده و منتج به یک معیار متفاوت قضایی در وقت تطبیق برای زنان میگردد.

دوم، چهار چوب حقوقی و تنظیم کننده در افغانستان بسنده نبوده و شامل حقوق عمده و یا رهنمود ها برای مقامات نمیباشد. سوم، - سیستم رسمی عدالت در افغانستان تا هنوز نهاد ها، سطح دانش، ظرفیت و ابزار را رشد و انکشاف داده و خلا های سیستماتیکی را بوجود می آورد که باعث توقیف ها غیرقانونی میگردد. چهارم، معافیت، فساد و نظارت ضعیف از میکانیزم ها زمینه دوام توقیف های خود سرانه را فراهم ساخته و باعث آن میشود که این عمل اصلاح نشده باقی بماند. پنجم، برنامه های آموزشی و ارتقای ظرفیت بسنده نیست تا به خلا های رسیده گی نماید که در بین بسیاری افغانها نسبت به برداشت از قضا و معیار های لازم برای - سیستم رسمی عدالت وجود دارد.

این یافته ها، تحلیل ها و مشاورت ها با تعداد زیادی از همکاران به اساس یک سلسله سفارشات صورت گرفته است تا به قضایای توقیف های خود سرانه رسیدگی شود. این سفارشات در بخش بعدی درج شده است.

سفارشات

سفارشات ذیل پیشنهادات مشخصی را جهت مبارزه با توقیف های غیرقانونی ارائه مینماید. با نشر ستراتیژی ملی سکتور قضایی مندرج در ستراتیژی ملی انکشافی افغانستان و برنامه ملی قضایی، فعالیت های مربوطه به خط درشت نوشته شده اند.

سفارش اول

به منظور فراهم نمودن کامل محافظت های قانونی از حقوق، دستگاه حقوقی هر چه زودتر مورد بازنگری قرار گیرد.

پیشنهاد میگردد تا وزارت عدلیه، وزارت امور داخله، ستره محکمه و شورای ملی با همکاری مشارکین بین المللی، هر چه زودتر بازنگری دستگاه حقوقی - به شمول قانون جزا و قانون اجراءات جزایی موقت - را آغاز نمایند تا خلاهای شناسایی شده درین گزارش که یک بخشی از تلاش های لازم برای بدست آوردن هدف دوم ستراتیژی ملی سکتور قضایی است، اصلاح شوند. مخصوصاً کمیته تسوید برای تجدید نظر و بررسی قانون اجراءات جزایی به اشتراک دفتر مبارزه با مواد مخدر و جرایم ملل متحد (UNODC)، و برنامه حمایت از سکتور قضایی، ریاست تقنین وزارت عدلیه، و شورای ملی باید بررسیهای ذیل را در اولویت قرار دهند:

تشخیص قانونی بودن توقیف قبل از محاکمه: به اساس طرز العمل

- تصامیم مربوط به توقیف از څارنوال به دستگاه عدلی و قضایی واگذار گردد؛
- اطمینان حاصل شود تا قانونی بودن توقیف های مربوط جرایم در جریان ۳ روز توقیف توسط محکمه بررسی گردد؛
- حق اعتراض توقیف شده در محکمه علیه گرفتاری وی و حق دریافت حکم بدون تاخیر باید حفظ گردد. به مثابه یک جزء لازمی در مسوده قانون اجراءات جزایی، توقیف شده گان باید از اتهام وارده علیه شان و محتویات درج شده در صورت دعوای شان به صورت فوری اطلاع حاصل نمایند؛
- قانونی بودن معیاد قبل از محاکمه باید از طرف محکمه به شکل منظم و دوامدار بررسی شود (طور مثال ماه یکبار)؛
- در صورتیکه توقیف خود سرانه، بی موجب و نامعقول به نظر برسد باید به محکمه صلاحیت داده شود تا توقیف شده را در جریان مراحل قبل از محاکمه آزاد نماید؛
- محدوده های زمانی قبل از محاکمه باید طوری اعیار گردند تا برای دایر شدن محکمه وقت مناسب داده شده و شرایط تطبیق همراه با حق توقیف شده گان به انیکه در کمترین وقت ممکنه تحت توقیف نگهداشته شوند متوازن باشند؛

رسیده گی به این خلاها به صورت عموم مستلزم آنست تا در مسوده قانون اجراءات جزایی، قانون محابس و مراکز سلب ازادی، قانون تشکیل و صلاحیت های محاکم و قانون پولیس تجدید نظر صورت گیرد.

تشخیص قانونی بودن توقیف قبل از محاکمه: به اساس موضوع

- ترتیب نمودن لست دلایلی که به اساس آن افراد مظنون یا متهم قبل از محاکمه توقیف میشوند این اطمینان را میدهد که توقیف به اساس تضمینات مندرج در قانون اساسی در رابطه به اصل برائت الذمه، آزادی و معیار های بین المللی قابل تطبیق صورت گرفته است. خاصاً ماده ۴ قانون اجراءات جزایی موقت که بمنظور کسب معلومات توقیف را اجازه میدهد باید بازنگری شود.
- شرایط ضمانت باید در مسوده جدید قانون اجراءات جزایی مورد بازنگری قرار گیرد تا با اصل بیگناهی مطابقت پیدا کند و ماده ۹ (۳) کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی بدیل های ضمانت مالی را حمایت نموده و سفارشات را که توسط UNODC در تطبیق

بدیل های حبس، در روشنائی معیارهای بین المللی و قانون ملی پیشنهاد شده است، عملی نماید.

- مقتضیات محکمه برای در نظر گرفتن ضمانت پولی و راه های بدیل، یگر توقیف در مرحله قبل از محاکمه باید واضح شود (به سفارشات راپور دفتر مبارزه با مواد مخدر و جرایم ملل متحد (UNODC) نیز مراجعه نمایید).

بررسی های دیگر برای جلوگیری از توقیف های خود سرانه

- در مسوده قانون اجراءات جزایی یک شرط در رابطه به حق ندادن شهادت علیه خودش گنجانیده شود تا حق سکوت توسعه یابد؛
- در مسوده قانون اجراءات جزایی، قانون پولیس و قوانین ذیربط دیگر احکامی گنجانیده شود تا توقیف هایکه به منظور بدست آوردن معلومات به زور صورت میگیرد، منع قرار داده شوند.
- در مسوده قانون اجراءات جزایی احکامی که در رابطه به حق داشتن وکیل مدافع در جریان تحقیق، محاکمه و تحقیقات دیگر است باید تقویت گردد، به شمول مکلفیت های پولیس، خرنوالان و قضات جهت مطلع ساختن یک فرد توقیف شده در جریان مراحل محاکمه و یا تحقیق؛

شناسائی و راه حل توقیف خود سرانه و غیر قانونی (قبل از محاکمه و بعد از محکومیت)

- تجدید نظر و تقویت احکام در مورد شرایط بدیل برای حبس در روشنائی سفارشات دفتر مبارزه با مواد مخدر و جرایم ملل متحد (UNODC) در رابطه به تطبیق راه های بدیل برای حبس به اساس معیار های بین المللی و قوانین ملی.
- به صورت واضح و روشن احکام مشخصی در رابطه به رهایی توقیف شدگان در قوانین گنجانیده شود: (الف) در صورتیکه شواهد و مدارک دیگر نتواند دلیل برای توقیف باشد، (ب) و یا در صورتیکه طرز العمل های مربوط به توقیف (به شمول معیاد) نقض شده باشد. به صورت مشخص:

o قانون پولیس باید تعدیل شده و با گنجانیدن حکمی به پولیس صلاحیت داده شود تا در صورت عدم موجودیت شواهد و مدارک کافی علیه مظنون گرفتار شده توسط پولیس وی را رها نماید؛

o در قانون اجراءات جزایی احکامی گنجانیده شود تا واضح سازد که توقیف شده گان باید فوراً بمجرد وقوع این شرایط آزاد گردند؛ و

o ماده ۲۰ (۴) قانون محابس و محلات توقیف باید توضیح داده شود تا در صورت نقض محدوده زمانی قبل از محاکمه، بعد مطلع ساختن محکمه، لوی خرنوال و وکیل مدافع وزارت عدلیه باید آنرا آزاد نماید.

- نهاد و طرز العملی که به توقیف های خود سرانه رسیده گی نماید باید در قانون مشخص گردد، به شمول رسیده گی به احکام رهایی که از طرف محاکم صادر ولی به شکل دوامدار عملی نمیشوند.
- هر نهاد (وزارت داخله، وزارت عدلیه، لوی خرنوالی و محاکم) باید میکانیزم های نظارتی موقت را طرح نمایند تا صلاحیت داشته باشند جهت جلوگیری از توقیف های غیرقانونی اقدامات لازم اتخاذ کنند، به شمول فراهم نمودن معلومات برای تحقیقات جنایی. یک راپور سالانه در مورد میکانیزم نظارت داخلی باید به شورای ملی ارائه شود.
- در قوانین ذیربط باید احکامی گنجانیده شود تا افرادی را که توقیف های خود سرانه را شناسایی میکنند و قانوناً توقیف شده گان خودسرانه از سرزنش یا اعمال تأدیبی بی اساس آزاد میسازند، حفاظت نمایند.

احکام در مورد اعمال جنایی

- توقیف خود سرانه باید به مثابه یک عمل جنایی تعریف شود؛
- در قانون جزا و یا قوانین ذیربط دیگر تجاوز جنسی و قاچاق انسان باید به مثابه یک جرم برای مجرم تعریف شود نه برای قربانی؛

سفارش دوم

تشریح و تقویت نظارت و حسابدهی

میکانیزم های نظارت بین سازمانی

- کابینه و ستره محکمه تشویق میگردند تا یک میکانیزم نظارت بین سازمانی را جهت رسیدگی به قضایای توقیف طویل المدتی که در سطح ولسوالی و یا ولایت حل نشده اند، طرح نمایند. قبل آنکه این میکانیزم طرح گردد، سفارشات ذیل باید مد نظر گرفته شوند:

- کابینه در مشاورت با ستره محکمه دستور، محدوده و صلاحیت های کاری شورای عالی محابس و در سطح ولسوالی و ولایت کمیته نظارت از اداره مراکز سلب آزادی وزارت عدلیه را که در قانون محابس و مراکز سلب آزادی تشکیل شده اند، تشریح نماید. به صورت مشخص این موضوع باید تشریح شود که آیا این میکانیزم میتواند توقیف های غیرقانونی را شناسایی و یا افرادی را که به شکل غیر قانونی توقیف شده اند رها نماید یا خیر؟
- وزارت عدلیه، وزارت داخله و لوی څارنوالی صلاحیت و روند جلوگیری از توقیف های غیرقانونی در محلات سلب آزادی وزارت داخله را که افراد توقیف شده باید به مراکز سلب آزادی وزارت عدلیه انتقال میشدند، توضیح نمایند.

- تا زمانیکه موضوعات فوق توضیح و یک میکانیزم دایمی نظارت داخلی سازمانی تاسیس میگردد،

- وزارت عدلیه، لوی څارنوالی و وزارت داخله تشویق میگردند تا به صورت فوری و مشترک در هر ولایت به مراکز سلب آزادی، څارنوالان و پولیس هدایت دهد تا راپور مفصلی را در مورد وضعیت همه توقیف شده گان و محبوسین که در مراکز سلب آزادی وزارت داخله و وزارت عدلیه در ولایات شان نگهداری میشوند، در ظرف یک ماه ترتیب کرده و برای حل آن اقدامات لازم اتخاذ نمایند.

- درین راپور ها همه قضایای احتمالی توقیف های خود سرانه نشانی شده و هر فعالیت برای پی گیری و یا موانع موجود در راه حل آنها باید واضح گردند.
- به منظور نظارت، اتخاذ نمودن اقدامات لازم و یا رجعت دادن قضایا به مراجع ذیربط، این راپور باید به رئیس محابس وزارت عدلیه، رئیس حقوق بشر وزارت داخله و معاون لوی څارنوال ارائه گردد.
- تا زمانیکه یک میکانیزم دیگر طرح شود، این راپور باید به شکل ربع وار ارائه شود.

- از ستره محکمه جداً تقاضا میشود به محاکم ولسوالی ها و ولایات توصیه نماید تا در ظرف یک ماه تمام قضایای را شناسایی نماید که بالای آنها اضافه تر از محدوده زمانی قانونی سپری شده است، و نیز راپور های بعدی خویش را به شکل ربع وار ارائه نمایند. همچنان ستره محکمه جداً تشویق می گردد تا به محاکم ذیربط به شمول ستره محکمه توصیه نماید تا به همچو قضایا و قضایای شناسایی شده در راپور های جمع آوری شده از ولایات را به اساس اولویت رسیدگی نمایند. و نیز پیشنهاد میشود تا ستره محکمه یک لست مکمل تمام قضایا را به اساس اولویت ترتیب نماید.

تقویه میکانیزم ها نظارت داخلی

- هر نهاد (وزارت داخله، وزارت عدلیه، لوی څارنوال و ستره محکمه) تشویق میشوند تا میکانیزم های نظارت داخلی را که طرح شده اند ارزیابی نموده و موثریت آنها در رابطه به شناسایی، حل و جلوگیری از توقیف های خود سرانه را الی اخیر ماه می سال ۲۰۰۹ بررسی کرده و به اساس این ارزیابی الی اخیر ماه جولای سال ۲۰۰۹ یک پلانی را جهت تقویت بخشیدن این میکانیزم ها طرح نماید. به ویژه پیشنهاد

میشود تا موثریت افسران حقوق بشر وزارت داخله و څارنوالان نظارتی دفتر لوی څارنوال و همچنان ظرفیت نظارت ستره محکمه مورد بررسی قرار داده شوند.

- وزارت داخله، وزارت عدلیه و لوی څارنوالی جداً تشویق میگردند تا به میکانیزم های نظارت داخلی ارگان مربوطه خود (افسران حقوق بشر، رؤسای محابس و څارنوالان ناظر) که از محابس نظارت میکنند وظیفه دهند تا تعداد دفعات نظارت و راپور دهی را با در نظر داشت معیاد های قانونی کوتاه به حد اقل دو هفته بعد از دیاد بخشند.
- طوریکه در ستراتیژی ملی سکتور عدالت تقاضا شده است، پیشنهاد میشود تا قواعد اخلاقی و معیار های مسلکی در وزارت داخله، وزارت عدلیه، لوی څارنوالی و دستگاه عدلی و قضایی طرح و تطبیق گردند.

سفارش سوم

سعی برای توسعه همکاری میان نهاد ها در سطح ولسوالی ها، ولایات و مرکز

- پیشنهاد میشود تا ستره محکمه، وزارت داخله، ریاست محابس و مراکز سلب آزادی وزارت عدلیه و لوی څارنوالی به موافقه هم طرز العملی معیاری را بمنظور هماهنگی مسایل مربوط به توقیف در سطح ولسوالی ها، ولایات و مرکز به هر زودی که ممکن است طرح نمایند. این طرز العمل باید شامل قواعد و مقررات در مورد مسائل ذیل باشد: انتقال دوسیه ها در بین نهاد ها، اتخاذ اقدامات لازم در صورتیکه دوسیه ناقص و یا ناپدید باشد، طرز العمل ها برای فعالیت های تعقیبی زمانیکه معیاد توقیف در حال نقض شدن باشد.
- تشویق میشود تا پروژه های شامل در برنامه ملی عدلی که هدف آن انکشاف سیستم های اداره معلومات و هماهنگی میان نهاد ها در سطح ولسوالی، ولایت و مرکز میباشد، توسط نهاد های ذربط بدون تأخیر تطبیق گردیده و توسط تمویل کننده گان و ملل متحد حمایت شوند. این پروژه ها شامل پژوهش در مورد قابلیت زیست سیستم اداره قضایا میباشد که فعلاً از طرف برنامه حمایت سکتور قضایی وزارت خارجه امریکا و برنامه حمایت از سکتور تادیب طور امتحانی براه انداخته شده است.
- سفارش وزارت های داخله و عدلیه جداً تشویق به آغاز کار بالای انکشاف میکانیزم های / ردیابی بین الحوزوی میشوند.

سفارش چهارم

تنظیم برنامه های آموزشی و تقویت ظرفیت ها که در برگیرنده مفاهیم متفاوت عدالت بوده و ضرورت برای انکشاف اسباب بهتر

پیشنهاد میشود تا برنامه های آموزشی ارتقای ظرفیت پولیس، څارنوالان و قضا توسط همکاران بین المللی مانند برنامه حمایت سکتور قضایی (JSSP)، برنامه حمایت از سکتور اصلاح (CSSP)، دفتر مبارزه با مواد مخدر و جرایم ملل متحد (UNODC)، پولیس جامعه اروپا (EUPOL) و سازمان های افغانی مانند کمیسیون مستقل حقوق بشری افغانستان و یا نهاد های دولتی دایر گردیده، باید افزایش داده شوند تا باشد که مسؤلین مفهوم بهتر از مسایل ذیل کسب نمایند.

- مفاهیم عدالت که اساس سیستم رسمی عدالت را تشکیل میدهند و سازگاری آنها با مسایل مطرح در سیستم غیر رسمی عدالت؛
- نقش و نحوه کار توقیف و حقوقی که آنها مکلف به احترام و حفاظت از آن هستند؛
- نقش و نحوه کار وکیل مدافع؛
- حفاظت از حقوق زنان طور مساویانه در برابر قانون و مکلفیت های مقامات برای حفاظت از این حقوق و نقش واحد های رسیدگی به مسایل فامیلی وزارت داخله و وزارت امور زنان در سطح محلی؛
- نحوه فعالیت و محتویات حقوق اجرایی در رابطه به توقیف؛

- روش های بدیل توقیف برای تحقیق و بازجویی؛
- تعریف توقیف خودسرانه و راه حل های موجود؛
- طرز العمل ها عملیات معیاری برای هماهنگی و تطبیق قوانین؛ و
- مکانیزم های نظارت داخلی.

ضروری پنداشته می شود تا مسایل/عملی حقوق بشر در تعلیمات معیاری عالی پولیس، خارنوالان، قضات و کارمندان توقیف برجسته تر گردد. فاکولته های حقوق جدا تشویق به گنجاندن این موضوعات در تعلیمات حقوقی و همچنان به آموزش دهی از توقیف و حقوق توقیف شده گان شده اند.

برنامه های حمایت از قانون گذاری تشویق به کار با برنامه حمایت از سکتور عدلی که مصروف تهیه آموزش برای قانون گذاران و کارمندان شان که در کمیته های ذیربط اعم از مشرانو جرگه و ولسی جرگه حضور می یابند، هستند میشوند. برنامه آموزشی باید شامل این موضوعات شود. این موضوعات را تحت پوشش قرار دهد ولی جهت دربرگیر تا مقتضیات قانون گذاری و مسوولیت های نظارت شورای ملی باید تعدیل گردند.

سفارش پنجم

اعلان یک کمپاین آگاهی دهی سراسری ملی برای عامه مردم، توقیف شده گان و محبوسین در رابط به حقوق مربوط به توقیف

جدا سفارش میگردد که موضوعات مرتبط به حقوق توقیف برای توقیف شده گان و محبوسین فعلی و عامه مردم شامل کمپاین ملی آگاهی عامه که در ستراتیژی ملی سکتور عدلی پیشبینی شده، گردد. وزارت عدلیه وزارت داخله، لوی خارنوالی و ستره محکمه در همکاری به کمیسیون مستقل حقوق بشر و دیگر همکاران مانند (UNDP) و (JSSP) تشویق به حمایت از چنین یک کمپاین میشوند.

ابزارهای آگاهی دهی مانند جریده وزارت عدلیه برای زنان توقیف شده در مورد حقوق شان، که توسط (UNODC) و (UNIFEM) حمایت شده اند باید قویاً حمایت و انکشاف داده شوند. مراکز پولیس، مراکز سلب آزادی و دفاتر خارنوالی باید در جستجوی همچو مواد معلوماتی مطالعوی و بصری باشند.

سفارش ششم

تقویه و حمایت از برنامه های تعلیمی برای وکلای مدافع، برنامه ملی مساعدت های حقوقی و ایجاد و اعزام دستیار وکلای مدافع ها به ولسوالی ها و ولایات نیازمند

جدا سفارش میگردد که بخش مساعدت های حقوقی وزارت عدلیه یک سیستم ملی مساعدت حقوقی را که در ستراتیژی ملی سکتور عدلی و برنامه ملی عدلی پیشبینی شده را، انکشاف دهند.

- **دستیاران وکلای مدافع:** سیستم **دستیار وکیل مدافع** در افغانستان باید در اولویت کاری بخش مساعدت های حقوقی وزارت عدلیه، انجمن مستقل حقوق دانان و تمویل کننده گان بخش عدلی قرار داشته باشد. مسایل ذیل جدا ترغیب میگردد:

o لوائح جدید جهت ایجاد سیستم دستیار وکیل مدافع در سیستم حقوقی افغانستان اعم از لحاظ سیاسی و مالی توسط دولت افغانستان و تمویل کننده گان باید حمایت گردند.

o وزارت عدلیه در همکاری با انجمن مستقل، حقوق دانان با حمایت تمویل کننده گان، باید یک برنامه را جهت تسریع آموزش و

اعزام Z در هر ولایت و در صورت امکان در مراکز ولسوالی را انکشاف دهد. **دستیاران وکیل مدافع** باید موظف به تهیه مشوره به توقیف شده گان و فامیل های شان در مورد حقوق شان و طرز العمل های جنایی گردند. (بر اساس قانون وکالت تنها وکیل مدافع ثبت شده و خویشاوند میتواند از یک توقیف شده نمایندگی کند). مناطق که تحت پوشش نهاد های مساعدت حقوقی نیستند باید در الویت قرار گیرند.

- ازدیاد وکلای مدافع و مساعدت های حقوقی: تلاش ها جهت ازدیاد تعداد وکلای مدافع باید در اولویت قرار گیرند.

O انجمن مستقل وکلای مدافع باید صریحاً التزامات خویش را که باید یک وکیل مدافع راجستر شده اش در هر سال حدل اقل دو قضیه را داشته باشد انجام دهد.

O بخش مساعدت های حقوقی وزارت عدلیه باید برنامه های تشویقی را برای کسانی که علاقه دارند وکیل مدافع شوند (خصوصاً در مناطق دور دست) طرح نماید. تمویل کننده گان باید ازین برنامه ها حمایت نمایند.

سفارش هفتم

تخصیص بودجوی لازم و منابع دیگر برای عملی کردن ابتکارات

تمویل کننده گان جداً تشویق به مهیا نمودن هر چه زودتر کمک های وعده شد. تحت ستراتیژی ملی سکتور عدلی و برنامه ملی عدلی برای ابتکارات مربوط به توقیف میشوند. همچنان شورای ملی و وزارت مالیه تشویق میگردند تا بمجرد دریافت کمک ها به صورت عاجل آنرا تخصیص داده و توزیع نمایند.

دولت افغانستان و قضا جهت آغاز موفقانه مبارزه با توقیف خود سرانه و کاستن ازدحام مراکز سلب آزادی در عرصه های ذیل نیاز به کمک مالی دارند:

- معاشات و امتیازات جهت نگهداشت تعداد بسنده قضات، خارنوالان، پولیس، مسؤولین مراکز سلب آزادی و مدیران شایسته محکمه ؛
- آموزش و ارتقا ظرفیت کارمندان مذکور،
- کمپاین ملی آگاهی عامه،
- براه انداختن میکانیزم های لازم نظارت.

سفارش هشتم

تأدیب و پی گرد عدلی ناقضین

وزارت داخله، وزارت عدلیه، لوی خارنوالی و ستره محکمه تشویق میشوند تا مسؤولین در تمام سطوح و سایر افرادی را که در رعایت حقوق، معیاد قانونی و دیگر دساتیر و معیار های قانونی توقیف شده گان کوتاهی میکنند به صورت سریع و مناسب تأدیب نمایند. چنین تأدیب ها در صورت نقض احکام جزایی شامل پی گرد عدلی میگردند. همچنان یک میکانیزم سری که خارنوالان، قضات، وکلای مدافع، خویشاوندان توقیف شده گان و افراد دیگر را توانمند به راپوردهی مطمئن از قضایای ممکن توقیف های خود سرانه تاسیس شود تا اتهامات به صورت مناسب تحقیق گردند.

۱- مرور کلی

أ. معرفی

علت موجودیت اینگونه شرایط قطعی این است، که توقیف در افغانستان، یکی از اجباری ترین، و به طور بالقوه، مضر ترین صلاحیت های دولت میباشد.

توقیف شخص توسط دولت زندگی آن شخص را در قید عملی قرار میدهد و برای خانواده شخص دشواریها و مشکلات ببار می آورد. توقیف یک شخص مانع بهره مندی آن شخص از حقوقی، مانند رسیدگی به خانواده، معیشت (که شاید تمام خانواده وابسته به آن باشد)، و تعلیم و تربیه و تحصیلات میگردد. علاوه بر این توقیف باعث آن میگردد تا شخص تحت توقیف، و بالاخره افراد خانواده وی در معرض بیماریها و مشکلات صحتی قرار گیرند.^۲

ضرورت به جلوگیری از توقیف های خود سرانه

زمانیکه دولت مردم را به صورت خود سرانه توقیف می نماید، موضوع جداً قابل نگرانی است. توقیف خود سرانه افراد توقیف شده را از کرامت شان و دسترسی به عدالت محروم می نماید. در بسیاری موارد توقیف های خود سرانه منجر به نقض سایر حقوق مانند حفاظت در مقابل رفتار غیر انسانی یا توهین آمیز یا شکنجه و ناپدید شدن اجباری (زمانیکه یک شخص تحت بازداشت دولت عملاً ناپدید میشود) میگردد. بر علاوه توقیف های خود سرانه زمینه نقض حقوق فامیل توقیف شده را با به بار آوردن مشکلات اقتصادی یا اجتماعی قابل اجتناب را فراهم می نمایند.

تداوم توقیف های خود سرانه در افغانستان

متأسفانه در افغانستان توقیف های خود سرانه به صورت متداوم با یک معمولیت آزار دهنده در سطوح ولسوالی، ولایت و مرکز واقع میشوند. قضایای که در آن پولیس، ځارنوال، محاکم و مراکز سلب آزادی به صورت خود سرانه افراد را توقیف می نمایند با کثرت آزار دهنده شناسایی شده اند. در افغانستان توقیف خود سرانه مختص به یک ساحه جغرافیایی یا نوع اتهام جزایی نیست و نه هم این فقط در رابطه به مسایل جزائی واقع میشود.

اکثر توقیف های خود سرانه در افغانستان قسماً میتوانند به ضعف های موجود در چهارچوب حقوقی و مقرراتی و در سمت سازمانی و نظارت نسبت داده شوند. آنها نتیجه عدم آگاهی از قانون یا یک ظن به گناه هستند. بعضی توقیف های خود سرانه نتیجه عدم موجودیت محافظت های اجرائی اند. در حالیکه سایر آنها در نتیجه سوء استفاده خشن از قدرت به بار می آیند. با این هم بعضی آنها از برداشت اشتباه آمیز و سوء تفاهم اراکین توقیف از قانون، عملیات

• پولیس پسر محمد را مظنون به قتل یکی از موسفیدان قریه می کند و ازینکه پسر محمد را یافته نمی توانند، محمد را دستگیر می کنند.

• در سال ۲۰۰۰ میلادی، شخصی بجرم قتل محکوم به سه سال حبس گردیده بود. به علت اینکه دوسیه اش مفقود میباشد، او با وجود گذشتادن ۵ سال اضافه تر از مدت حبس قانونی اش، در حبس بسر می برد.

• یک دختر به جرم ارتکاب زنا با یکی از پسران کاکا اش، متهم گردیده است. این دختر دو ماه قبل دستگیر شده بود، ولی ځارنوال تا به حال صورت دعوی را درج محکمه ننموده است. از میعاد تعیین شده برای درج صورت دعوی توسط ځارنوال یک ماه گذشته است. دختر تا به حال در توقیف بسر می برد.

• شخصی با والی ولایت مخالفت می نماید. والی ولایت به قوماندان امنیه ولایت امر میکند تا آن شخص را در نظارت خانه قوماندانی امنیه بپاندازد تا به آن شخص درسی داده شود.

اینها نمونه از افغان های اند که به صورت خود سرانه توقیف گردیده اند. این دستگیری ها یا توقیف ها یا:

أ. اساس معتبر قانونی ندارند؛

ب. به منظور منع توقیف شده گان از اعمال حقوق اساسی که در قانون اساسی افغانستان یا قانون بین المللی تضمین شده اند.

ج. توقیف ها در صورتی خود سرانه می شوند که ضمانت های اجرائی لازم رعایت نگردند. حتی اگر توقیف در نفس خود قانونی هم باشد.^۱

قانون اساسی افغانستان اینگونه سوء استفاده از قدرت را منع قرار میدهد.^۲ مطابق به قانون اساسی افغانستان، فقط وقتی اجازه توقیف داده میشود که توقیف ضروری، مناسب، و مطابق به حکم قانون باشد، و همه معیارهای مطابقت با موازین قانون مراعات گردیده باشد.

ج. ساختار و حیطه گزارش

این راپور بر مبنای بیشتر از ۲۰۰۰ قضیه توقیف که توسط تیم حقوق بشر یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان بین نوامبر ۲۰۰۶ و جولای ۲۰۰۸ نظارت شده بود استوار می باشد. این گزارش:

- د. انواع اصلی توقیف خود سرانه که در افغانستان واقع شده اند را تشریح می نماید؛
- ه. در مورد اینکه چرا توقیف خود سرانه ادامه یافته کاوش (عوامل ریشه یی)؛ و بر مبنای این تحلیل ها،
- و. سفارشات را مبنی بر اینکه چگونه تلاش ها جهت مبارزه با توقیف خود سرانه تقویت گردد ارائه می نماید.

این گزارش بالای توقیف های خود سرانه در جریان مراحل قبل از محکمه و بعد از جزا^۸ که در اماکن توقیف در سطح ولسوالی و ولایت وزارت داخله و وزارت عدلیه واقع می گردد (از قبیل بازداشت گاه های پولیس و مراکز سلب آزادی) توجه دارد. این توجه بخاطری انتخاب گردیده که توقیف های موجود در اماکن وزارت داخله و وزارت عدلیه اکثریت عمده توقیف های خود سرانه را تشکیل می دهند. طور مثال در دسمبر ۲۰۰۸ تقریباً ۱۲۵۰۰ نفر در اماکن وزارت عدلیه در سراسر افغانستان نگهداری میشدند.

این راپور توقیف های را که توسط ریاست امنیت ملی صورت گرفته یا آنهایکه مربوط به نیروهای نظامی بین المللی میشوند را تحت پوشش قرار نمیدهد. در حالیکه این توقیف ها نیز قابل نگرانی اند، اما برخلاف توقیف های وزارت داخله و وزارت عدلیه راپور دهی گسترده برای عامه مردم بالا آنها انجام شده است.^۹ علاوه برین معلومات سیستماتیک در مورد توقیف های انجام شده توسط ریاست امنیت ملی و نیروهای نظامی بین المللی جریان دوره نظارت در دسترس قرار نداشت زیرا نه ریاست امنیت ملی و نه هم نیروهای نظامی بین المللی به یوناما یا همکاران آن دسترسی بدون قید و شرط به اماکن بازداشت شان توسط یوناما و همکاران آن موافقت نمودند.

د. روش تحقیق

این گزارش بر نظارت و تحقیق انجام شده از اماکن توقیف وزارت داخله و وزارت عدلیه بین نوامبر ۲۰۰۶ و جولای ۲۰۰۸ توسط تیم حقوق بشر یوناما با همکاری کمیسیون حقوق بشر مبتنی است. تمام ولسوالی ها و ولایات قابل دسترسی مصئون پوشش داده شده اند.^{۱۰}

و طرز العمل ناشی میشوند.

تلاش ها برای مبارزه با توقیف های خود سرانه به صورت عموم غیر موثر بوده اند

با وجود تلاش های دوامدار برای مبارزه علیه توقیف های خود سرانه به شمول آموزش، ایجاد مقررات، اصلاحات پولیس و کمپاین علیه فساد، توقیف های خود سرانه ادامه یافته اند.

عدم توانایی مبارزه موثر با توقیف خود سرانه اعتماد افغانها نسبت به دولت شانرا می فرساید و تلاش ها برای تقویت حاکمیت قانون ترقی دولت داری خوب و حفاظت حقوق بشر را تحت شعاع قرار میدهد. این همچنان ازدحام سیستم توقیف افغانستان را شدت می بخشد و منابع از قبل محدود را ضعیف تر می نماید که کرامت و دسترسی به عدالت افراد توقیف شده را بیشتر به خطر مواجه می سازد.

ازینرو به تدابیر بیشتر قوی جهت مبارزه با توقیف های خود سرانه ضروری اند.

تعهدات برای ایجاد تدابیر موثر جهت مبارزه با توقیف خود سرانه

دولت افغانستان ضرورت به مبارزه با توقیف های خود سرانه را شناسایی نموده است. در استراتژی ملی انکشافی افغانستان و موافقت نامه افغانستان پیشرفت حقیقی در مبارزه علیه توقیف های خود سرانه توقع گردیده است.^۴ در موافقتنامه افغانستان، حکومت افغانستان تعهد تصویب اقدامات اصلاحی به منظور بر راه اندازی منع توقیف های خود سرانه تا پایان سال ۲۰۱۰ را نموده است.^۵ استراتژی ملی عدلی و قضائی و پروگرام ملی عدلی و قضائی نیز استراتژی چند-جانبه را به منظور تقویت دسترسی به خدمات حقوقی بهتر و کاهش توقیف های خودسرانه تا پایان سال ۲۰۱۲ طرح و ترتیب نموده است.

ملل متحد مسؤولیت دارد تا دولت افغانستان را در ایجاد این تدابیر^۶ کمک نماید و از موثریت آنها را پی گیری نماید.^۷

ب. هدف گزارش

با در نظر داشت تعهد دولت افغانستان برای برخورد با مشکل توقیف خود سرانه، بخش حقوق بشر یوناما این راپور را به عنوان یک ابزار تهیه نموده تا دولت افغانستان، قضا و همکاران شانرا در ایجاد و تقویت پالیسی ها، قوانین، مقررات و طرز العمل های عملیاتی که به جلوگیری از روش هاییکه منجر به توقیف های خود سرانه میشوند حمایت کند. راپور هذا متوقع است که دولت افغانستان؛ قضا و همکاران شان به این باور برسند که توقیف خود سرانه ضرورت به عملکرد عاجل و جمعی دارد.

در مرحله اول، از نوامبر ۲۰۰۶ الی مارچ ۲۰۰۷، یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر برنامه نظارتی منظمی را مشترکاً راه اندازی نمودند که در نتیجه ۱۰۸۹ مصاحبه با توقیفی ها و مجوسین در محلات سلب آزادی وزارت های عدلیه و داخله در سطح ولسوالی ها و ولایات انجام یافت.^{۱۱} در صورت ممکن، معلومات جمع آوری شده از محلات سلب آزادی، طی مصاحبه با څارنوالان و مراجعه به دوسیه ها در محاکم تدقیق و تصدیق گردید. ^{۱۲} این برنامه با کمک و توصیه های مشارکین مانند، کمیساری عالی حقوق بشر ملل متحد در جنیوا، برنامه حمایت از سکتور عدلی و قضائی (JSSP)، و سازمان بین المللی توسعه و حقوق (IDLO)، و سایر متخصصین راه اندازی گردیده است.

در مرحله دوم، مارچ - سپتامبر ۲۰۰۷، جمع آوری معلومات تکمیل گردید، و تحلیل تعداد ۹۴۳ قضیه بررسی شده دیگر توسط دفاتر ساحوی و ولایتی یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، در جریان نظارت های یومیه از محلات سلب آزادی، تکمیل گردید. پروژه یوناما برای نظارت از جلسات قضایی محاکم یوناما که در زونهای غرب، شمال شرق، مرکز، شرق، و شمال کشور بین ماههای مارچ الی جون ۲۰۰۷ تدویر یافته بود نیز در این گزارش شامل گردیده است. قضایای تشخیص شده در مرحله اول نیز به منظور پیشرفت آن پیگیری شده و شامل مرحله دوم نیز گردید.

مرحله سوم، ابتداء از سپتامبر ۲۰۰۷ الی جولای ۲۰۰۸، بیشترین، روی نتایج کار یومیۀ دفاتر ساحوی و ولایتی یوناما در سراسر افغانستان، متکی میباشد.

۲- تعریف توقیف خود سرانه در افغانستان

الف- قانون بین المللی حقوق بشر

بر اساس نظر کمیته حقوق بشر ملل متحد، توقیف خود سرانه فقط تنها توقیف های که خلاف قانون نیستند بلکه توقیف خود سرانه از جمله توقیف های را عبارت میشوند که توسط دولت (در این قضیه دولت افغانستان) انجام می پذیرد و "مشمول عوامل عدم تناسب، غیر عادلانه، عدم پیش بینی، پروسه اجرایی قانون می باشد".....^{۱۳} گروپ کاری ملل متحد بالای توقیف خود سرانه به طور وسیع توقیف خود سرانه را توقیف های تعریف نموده که:

(الف) اساس معتبر قانونی ندارند؛

(ب) به منظور منع توقیف شده گان از اعمال حقوق اساسی که در قانون اساسی افغانستان یا قانون بین المللی تضمین شده اند، اجرای گردیده اند.

(ج) توقیف ها در صورتی خود سرانه می شوند که ضمانت های اجرایی لازم رعایت نگردند. حتی اگر توقیف در نفس خود قانونی هم باشد.^{۱۴}

بخش الف:

توقیف زمانی خود سرانه می شود که به طور مثال پولیس شخصی را به خاطری نسبتش به یک قبیله توقیف می نماید. هیچ قانونی وجود ندارد که وابستگی به یک قبیله را جرم بشمار.

بخش ب:

طور مثال زمانی که څارنوال دستور توقیف یک شخص به پولیس به خاطر ابراز عقیده که وی با آن موافق نیست دهد. آن توقیف خود سرانه می باشد. این عمل به منظور انکار حق آزادی بیان یک شخص. چنین چیزی نه ضروری و نه مناسب است. (وبسیار اوقات غیر قانونی) البته در صورتیکه شخص حق آزادی بیان خود را در محدوده قانون اعمال کرده باشد.

بخش ج:

توقیف زمانی خود سرانه تشخیص می شود که توقیفی نتواند قانونمند بودن توقیف خود را به چالش بکشند. و تئوریکه شاید گرفتاری ابتدائی شاید قانونی باشد ولی عدم توانائی توقیفی برای به چالش کشیدن قانونمندی توقیف وی آنر خود سرانه ارائه می نماید.

تعریف های مذکور وسیعاً مبنی بر ماده ۹ کنوانسیون بین المللی

حقوق مدنی و سیاسی که افغانستان عضویت آنرا دارد، هستند. ماده ۹ حق آزادی و حق امنیت شخصی را برای افراد ضمانت و توقیف خود سرانه را منع قرار می دهد. این مفاد بیان میدارد که هیچ کس را نمی توان از آزادی محروم نمود (توقیف) مگر اینکه توقیف در مطابقت به طرز العمل و مبنای قانونی اجرا گردید باشد. در ترکیب با ماده ۷ و ماده ۱۴ کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۹ سایر محافظت اچراتی را که لازمه یک توقیف غیر خود سرانه مطرح می نماید (که در بخش سوم و دوم به بحث گرفته می شود).^{۱۵} همچنان سایر معاهدات که دولت افغانستان عضو آنهاست توقیف خود سرانه را منع قرار میدهد و در مجمع از تعریف گروپ کاری ملل متحد را حمایت می نمایند.^{۱۶}

ب. قانون افغانستان

قانون اساسی افغانستان به طور غیر واضح توقیف خود سرانه و غیر قانونی را منع می نماید. به طور وسیع تعریف گروپ کاری ملل متحد را صحنه می نماید و وسیعاً اصول عمومی قبول شده در بنده ۱ ماده ۹ کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی که محرومیت اشخاص از آزادی را منوط به مفادات قانونی و در مطابقت با طرز العمل های قانونی می نماید را با زتاب می دهد.

قانون اساسی افغانستان بیان میدارد که آزادی، "حق طبیعی انسان ها است" که دولت آنرا باید "احترام و حفاظت" نماید.^{۱۷} قانون اساسی تصریح میدارد که آزادی شخص در صورتی محدود میشود که آزادی دیگران و منفعت عامه را متاثر نماید،^{۱۸} البته تنها در صورتیکه توسط قانون تصریح یافته باشد.^{۱۹} قانون اساسی بیشتر توضیح میدهد که هیچ فردی توقیف شده نمی تواند مگر به موجب قانون.^{۲۰}

همچنان سایر قوانین افغانستان این ضمانت های قانون اساسی را بازتاب و مبنا و طرز العمل توقیف قانونمند را تعریف میکنند. این قوانین عبارتند از:^{۲۱}

• مبانی

○ قانون جزاء ۱۹۷۶^{۲۲}

• طرز العمل ها:

○ قانون اجراءات جزائی موقت (چارچوب طرز العمل

○ عمومی، تحت بازنگری)^{۲۳}

ج. استعمال تعریف:

به صورت عموم در قانون افغانستان درمطابقت با تعریف گروپ کاری ملل متحد بالای توقیف خود سرانه است. به همین ترتیب تعریف گروپ کاری ملل متحد (کته گوری های الف، ب و ج) جهت ساختن تحلیل های مندرج این را پور در مورد انواع توقیف خود سرانه که در افغانستان واقع میشود به کار برده خواهد شد.

- o قانون پولیس (شرح معیارها برای اجراءات پولیس)^{۲۴}؛
- o قانون تشکیل و صلاحیت های محاکم^{۲۵}؛
- o قانون اجراءات جزائی تصحیح شده ۱۹۷۴^{۲۶}؛
- o محلات سلب آزادی وزندانها (که قانون جزائی موقت را تقویت و طرز العمل نظارت از قانونمندی و شرایط توقیف را تشریح می نماید.)^{۲۷} و
- o قانون وکلای مدافع (مورد حق دسترسی به وکیل مدافع تفصیل میدهد).^{۲۸}

۳- انواع توقیف های خود سرانه در افغانستان

الف - عدم موجودیت مبنای قانونی برای توقیف (کتگوری الف)

افغانها هنوز هم بدون موجودیت مبناء و اساس قانونی توقیف میشوند. مسایل ذیل نمادهای عمومی مرتبط با این نوع توقیف های خود سرانه را که در جریان نظارت شناسایی شد و تشریح می نمایند.

۱. منازعات مرتبط با قانون مدنی که قانون برای آنها توقیف را پیشبینی نمی نماید

نظارت ها نشان میدهد که، اگرچه کمتر نسبت به سال های قبل، افغانها هنوز بخاطر نقض قانون مدنی، مسؤولیت های قراردادی که مورد آنها تحت قوانین مرعی الاجراء توقیف مجاز دانسته نشده، توقیف می گردند.^{۲۹} نظارت ها همچنان نشان میدهند که این نوع توقیف های خود سرانه قرار ذیل اند:

- منازعات بالای خانه، زمین و ملکیت؛
- دعوا بالای قرضه که معمولاً با توقیف در حمایت از قرض دهنده به منظور مصوون ساختن پرداخت قرضه. صورت میگیرد^{۳۰}
- منازعات فامیلی، مانند مسایل ازدواج (عموماً شامل نقض شریعت و سنت ها و یا رسوم اجتماعی می شوند).

طور مثال در ولسوالی شهر بزرگ ولایت بدخشان پولیس ۳ مرد را بخاطر دعوا بالای زمین از ۷ الی ۱۲ سپتمبر ۲۰۰۷ توقیف نموده بود. در سال ۲۰۰۷ در ولسوالی رودات ولایت ننگرهار پولیس ۳ مرد را که در دعوا بالای زمین دخیل بودند برای ۳ روز توقیف و به قول معروف لت و کوب نموده بود.

همچنان در جریان نظارت یک نماد سیستماتیک توقیف ها توسط پولیس و خائرنوالان را در ولایت های بامیان و دای کنده دریافت نموده. در شرق تا این اواخر یک پدیده دیگر ملاحظه گردیده بوده که پولیس یک یا تمام طرفین مسئله مدنی را به منظور اخذ رشوت یا جاه یافتن در جرگه توقیف می نمود.

۲. بخاطر اعمالیکه که در قانون به عنوان جرم تلقی نگردیده^{۳۱}

همچنان امکان توقیف اشخاص تحت طرز العمل های جزائی به خاطر ارتکاب اعمال که در قانون جرم پنداشته نمی شود وجود دارد. این نوع شامل توقیف های:

(الف): بخاطر نقض قوانین عرفی و شرعی؛^{۳۲}
(ب): در نتیجه تطبیق غیر صحیح قانون به منظور مجرم جلوه دادن شخص.

أ. بخاطر نقض قانون عرفی و شرعی

این نوع توقیف خود سرانه بطور نامناسب خانم ها و دختران را متاثر مینماید. نظارت به طور عموم یافته های^{۳۳} UNODC و UNFIM و وزارت امور زنان را مبنی که یک تعداد قابل ملا حظه توقیفی ها به خصوص توقیفی های زن به خاطر ارتکاب نقض قانون عرفی یا شرعی یا جرایم اخلاقی توقیف شده اند. را تأیید میکند. (UNODC) دریافت نمود که این قضیه در حدود ۵۰ فیصد زنان توقیفی^{۳۴}.

■ فرار از منزل: به خصوص مردان، زنان، پسران و دختران متهم به فرار از منزل مکرراً توقیف میگردند. باوجودیکه فرار از منزل در قانون جزا جرم پنداشته نمی شود آنها جلب و محکوم میگردند.^{۳۵} بسیاری چنین توقیف ها در ولایات پروان و کاپیسا، و همچنان در هرات، کندز، بغلان، جوزجان، بلخ و اکثر ولایات دیگریکه از آنها نظارت صورت گرفته شناسایی شده اند.^{۳۶} در ننگرهار شناسایی گردیده اند. در ولایت هرات یوناما بتاريخ ۱۵ جولای ۲۰۰۸ یک قضیه را شناسایی نمود که در آن یک زن بعد از وفات شوهر جبراً به ازدواج برادر شوهرش در آورده شد بود. بعد از آنکه این زن به پولیس شکایت نمود و طلاق گرفت محکمه مراغه او را به اتهام فرار از منزل به ۷ ماه زندان محکوم نمود.

■ خلوت صحیح: زنان همچنان بخاطر در همراهی بودن با یک مرد بدون خلوت صحیح احضار و محکوم شده اند. در حالیکه فقه حنفی آنرا جرم میندازد ولی در قانون جزا صراحت ندارد.^{۳۷} در شهر پل خمیری ولایت بغلان یک زن حامله بیوه بعد از مرگ شوهرش بتاريخ ۲ اپریل ۲۰۰۷ بخاطر

حضور در یک خانه با یک دوست فامیلی مرد محکوم گردید.

ب. استعمال نادرست قانون به منظور مجرم جلوه دادن شخص:

مقامات افغان با سوء استفاده از قانون جزا کسانی را که مرتکب جرایم جنایی نشده اند توقیف می نمایند. توقیف زمانی قانونی است خصوصیات عمل ارتکاب شده مطابق تعریف قانون، مجرم پنداشته میشود. درین موارد مسؤولین کوشش میکنند جلوه دهند که عمل ارتکاب شده جرم است. ازینرو این توقیف ها خود سرانه میباشند. بعضی این گونه توقیف های غیرقانونی در زمره بخش ب (توقیف جهت محدود کردن یک حق یا آزادی تضمین شده به صورت ملی یا بین المللی) تعریف گروپ کاری ملل متحد روی توقیف های خود سرانه به شمار میرود.

مسؤولین زمانیکه بوسیله استعمال نادرست قانون جزا اشخاص را توقیف مینمایند شامل مسایل ذیل می گردد.

- کسانی که مرتکب اعمالی میگردند که از لحاظ اجتماعی، مذهبی و فرهنگی قابل قبول نباشند؛
- کسانی که خود آنها قربانی جرایم اند (معمولاً زنان)؛ یا
- کسانی که تحت انحصار شخصی یا سیاسی فرد یا گرویدیگری قرار گرفته اند.

معمولاً مردم بخاطر نقض شریعت و عرف یا روش اجتماعی ظاهراً قانونمند با استفاده از قانون جزا توقیف شده اند. طور مثال یک دختر ۱۶ ساله و یک زن ۲۲ ساله بعد از پناه بردن در یک خانه نزدیک بعد از شنیدن صدای تفنگ بتاریخ ۷ فبروی ۲۰۰۷ در ولایت ننگرهار توقیف گردیدند. باوجود اینکه تحقیقات نشان داد که زنا ارتکاب نیافته بود آنها متهم و محکوم به زنا شدند.^{۳۸}

قربانیان تجاوز (اعم از مرد و زن)، خشونت فامیلی، قاجاق، ازدواج های اجباری یا خشونت های دیگر علیه زنان معمولاً بر مبنای محکومیت جزایی توقیف میگردند، که بدین ترتیب قربانی مجرم جلوه داده می شود. اتهام بستن به زنان قربانی تجاوز جنسی به عنوان زنا (ارتباط جنسی خارج از ازدواج) به صورت یک روش معیاری در آمد.^{۳۹} چنین قضایا تقریباً در هر ولایت در جریان نظارت پیدا شدند. طور مثال یک دختر ۲۰ ساله قربانی تجاوز جنسی از ولسوالی سرخرو و ولایت ننگرهار بعد از آنکه با شکایت تجاوز علیه خود به خرنوال مراجعه نمود متهم به زنا گردید. یک دختر ۱۵ ساله در ولایت سمنگان بعد از شکایت به پولیس مبنی بر اینکه کاکایش بالای او تجاوز و او در نتیجه حامله شده بود توقیف، متهم و محکوم به زنا گردید.^{۴۰}

قضایای قاجاق نسبت به قضایای تجاوز جنسی غیر معمول اند ولی یک خصوصیت مشابه را دارا میباشند. در ولسوالی اچین ولایت ننگرهار یک زن ۲۲ ساله بعد از اینکه ظاهراً اختطاف، جبرا با یک مرد دیگر ازدواج و طفل او کشته شده بود متهم به زنا گردید در ولسوالی قلعه ذال ولایت کندز یک دختر ۱۷ ساله که از کابل قاجاق و بعداً جبرا زوجه یک مرد ۲۵ ساله گردانیده شده بود بتاریخ ۲۶ آگست ۲۰۰۷ به فرار از منزل (باوجودیکه در قانون جزا حکمی درین مورد صراحت ندارد) و معرفی نادرست خود به مسؤولین به عنوان یک قربانی به عوض مشترک حلقه قاجاق متهم و محکوم شد.

همچنان احکام جزایی جهت توقیف جبری اشخاص بدنبال منفعت شخصی (مانند حل منازعات زمین به نفع یک شخص^{۴۱})، برای خاموش ساختن خبرنگاران^{۴۲}، و استفاده های سیاسی دیگر مورد سوء استفاده قرار میگیرند.

۳. خویشاوندان یا وابسته گان شخص متهم یا مظنون^{۴۳}

نوع دیگر توقیف خود سرانه که در جریان نظارت شناسایی شده عبارت است از توقیف نمودن خویشاوندان و وابسته گان مظنونین به عوض مظنون یا متهم و یا برای فشار آوردن بالای مظنون یا متهم تا به مسؤولین تسلیم گردند.^{۴۴} در حالیکه چنین توقیف ها معمولاً از میان خویشاوندان نزدیک صورت میپذیرد هیچ مدرک قابل قبول در مورد اینکه این توقیف ها بر مبنای کدام عمل جرمی واقع میگردند موجود نیست.

این گونه توقیف ها ناشی از ابتکارات پولیس یا به اساس درخواست خرنوال صورت میپذیرند. طور مثال در ولسوالی نهرین ولایت بغلان در سال ۲۰۰۷ دو مرد بخاطر اینکه پسران شان مظنون به ارتکاب یک جرم شده و فرار نموده بودند توقیف شدند. ۴ مرد بخاطر اینکه خویشاوندان آنها متهم به سوختاندن یک خرمن بتاریخ ۲۶ جون ۲۰۰۵ بودند در مرکز سلب آزادی وزارت عدلیه واقع در ولسوالی شولگره ولایت بلخ در توقیف به سر می بردند.^{۴۵} در جلال آباد پولیس خانم و مادر یک فرد مظنون به رهزنی را بتاریخ ۱۶ اکتوبر ۲۰۰۷ بعد از اینکه پولیس موفق به دریافت مظنون نگردید، توقیف نمود. مداخله یوناما منجر به آزادی هردو توقیف شدگان گردید. چنین توقیف های خودسرانه طولانی بوده می توانند. طور مثال یک مرد ۱۸ ساله در مرکز سلب آزادی وزارت عدلیه واقع در ولسوالی شهر بزرگ ولایت بدخشان بخاطر اینکه دوست متهم او به ارتکاب قتل دریافت نشده بود برای مدت اضافه از ۷ ماه توقیف گردید.^{۴۶}

در قضایای معدود، محکمه به عوض متهم خویشاوند او را محکوم نموده است. یک قضیه اخیر که در آن یوناما مداخله نمود مربوط به مردی از مهترلام با بامرکز ولایت لغمان که فرزند او متهم به

ج- افغانها بدون برخورداری از محافظت های اجرایی لازم توقیف میشوند که اکثراً عامل خودسرانه شدن توقیف میباشد

ارزیابی ها دریافت نمود که اکثریت توقیف ها در افغانستان تحت کتگوری ج رده بندی شده میتوانند زیرا بسیاری از محافظت های اجرایی لازم در مقابله با توقیف خود سرانه یا در قانون موجود نیستند و یا هم اگر در قانون پیش بینی شده اند به صورت موثر کارا نیستند.

محافظت های لازم اجرایی

کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی محافظت های اجرایی لازم جهت منع توقیف های خود سرانه را در ماده ۹ و بند ۳ ماده ۱۴ تشریح مینماید. آنها عبارتند از:

- توقیف شده گان فوراً باید در مورد دلایل توقیف شان و یا دستگیری و اتهام علیه آنها آگاه شوند؛^{۴۸}
- در قضایای جزایی توقیف شده باید فوراً نزد قاضی یا مسؤول دیگر قضایی آورده شود؛^{۴۹}
- تمام توقیف شده گان میتوانند قانونمندی توقیف و دستگیری خود را در مقابل یک محکمه برای دریافت یک تصمیم در مورد قانونمندی بودن توقیف شان بدون تاخیر به چالش بگیرند؛^{۵۰}
- توقیف شده گان باید فوراً در مورد حقوق شان و تحقق موثر آنها آگاه ساخته شوند، مانند:
 - حق عدم شهادت جبری علیه کسی یا اعتراف به گناه به شمول حق خاموش ماندن و آزاد بودن از بدرفتاری یا شکنجه؛^{۵۱}
 - حق داشتن وکیل مدافع یا ارائه دفاعیه توسط خودش و داشتن وقت و امکانات جهت ارائه دفاعیه؛^{۵۲}
- توقیف شده گان حق محکمه عادلانه را در مورد اتهام علیه شان در یک وقت مناسب و بدون تاخیر دارند که در صورت عدم رعایت آن باید آزاد گردند؛^{۵۳}
- محبوسین باید بعد از ختم حکم محکمه آزاد گردند.^{۵۴}

اختطاف یک خانم ۱۸ ساله بود، میشد. محکمه پدر را بخاطر عمل فرزندش به ۶ سال زندان محکوم نمود. در ۱ اکتوبر ۲۰۰۷ محکمه مرافعه اشتباه محکمه ابتدائیه را تصحیح و تصمیم آنرا لغو و پدر را آزاد نمود.

ب- گرچه علایم مبنی بر اینکه این توقیف ها بالخصوص در رابطه به آزادی بیان و حقوق زن واقع میشوند (بخش ب) اما مشخص نیست که توقیف افغانها به منظور منع اعمال حقوق اساسی شان که در قوانین افغانستان ضمانت شده، صورت میگرد

نظارت ها بمنظور شناسایی و پی گیری توقیف های مانع شونده استفاده از حقوق اساسی طرح نگردیده بود. به هر صورت علایمی وجود دارد که بعضی توقیف های خودسرانه در افغانستان بخصوص در رابطه به آزادی بیان و حقوق زنان شامل این کتگوری میشوند.

از اواخر ۲۰۰۷ به این طرف نگرانی فزاینده در مورد محدودیت های خود سرانه بالای آزادی بیان بخصوص خبرنگاران وجود داشته است. به نظر میرسد که توقیف ابزاری بوده است جهت منع اعمال آزادی بیان در قضایای در بغلان، مزارشریف، هرات و کابل.^{۴۷}

توقیف زنان بخاطر فرار از منزل و خلوت صحیحه همچنان میتواند به عنوان توقیف به منظور انکار حقوق وابسته گی ازدواج، آزادی از رفتار ظالمانه، غیر انسانی و توهین آمیز تعریف گردد (مرتبط با خوشونت فامیلی).

به هر حال به مشکل میتوان قصد انکار استفاده از حقوق اساسی را از انگیزه های سیاسی و روش های مذهبی و اجتماعی در اکثر چنین قضایای ممکن توقیف خودسرانه جدا نمود. ازینرو بیان با اعتماد این قضایا در کتگوری ب دشوار به نظر میرسد. هنوز هم باید اعتراف گردد که امکانات چنین توقیف های خودسرانه و به شکل فزاینده در ارتباط به آنهایکه در پی اعمال حق آزادی بیان و تشکیل اجتماعات در دوره انتخابات آینده اند وجود دارد.

وابسته، بی طرف و هدفمند در ارتباط به این موضوعات باشد. کمیته حقوق بشر ملل متحد نظر خود را چنین ابراز میدارد که فقط محکمه این معیارها را دارا میباشد.^{۶۳} خائنوال معمولاً به عنوان طرف درخواست کننده توقیف قبل از محکمه و وزارت عدلیه به عنوان مرجع توقیف های محافظتی از هدفمندی سازمانی و بی طرفی لازم برخوردار نیستند تا به صورت یک ارگان مشروع تصمیم گیرنده عمل نمایند.^{۶۴} علاوه بر آن بند ۳ و ۴ ماده ۹ کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مشخص میسازد که چنین تصمیم فقط یا توسط یک قاضی یا بوسیله یک مسؤول باصلاحیت که توان اعمال قدرت قضایی را داشته باشد گرفته شده میتواند. صلاحیت قضایی در افغانستان کلاً به قضا واگذار شده است.

ب. حکمی مبنی بر بررسی فوری یا دوره ای قانونمندی توقیف توسط یک محکمه وجود ندارد: خائنوال ابتدائیه مسؤول تأیید اعمال پولیس در یک توقیف در جریان ۷۲ ساعت (۳ روز) است. در حالیکه بررسی خائنوال از توقیف در محدوده مفهوم فوریت میگنجد،^{۶۵} اما در مطابقت به معیار های بین المللی نمیشد زیرا از قانونمندی آن توسط محکمه بررسی به عمل نیامده است. قانون افغانستان بررسی قانونمندی بازداشت و توقیف را توسط محکمه الی گرد هم آمدن اولین جلسه قضایی تا مدت ۳ ماه بعد از دستگیری تقاضا نمی کند (بخش دوم بند ۲ ماده ۵۳ و ۶ قانون اجراءات جزایی موقت).^{۶۶}

همچنان قانون افغانستان بررسی دوره ای توقیف توسط محکمه در جریان دوره قبل از محکمه را ضروری نمینماید. به هر حال کمیته حقوق بشر ملل متحد بیان نموده است که فقط یک بار بررسی از قانونمندی توقیف در آغاز توقیف کافی نیست. به مرور زمان خصوصیت توقیف میتواند از حالت قانونی به خودسرانه مبدل گردد. ازینرو محکمه باید توقیف را در وقفه های مناسب و منظم تا زمان اصدار حکم یا آزادی توقیف شده بررسی نماید.^{۶۷}

ج. حق به چالش کشیدن قانونمندی توقیف را واضحاً به توقیف شده ضمانت نمی کند: قانون افغانستان به شمول قانون اساسی در بر گیرنده هیچ حکم واضح نمیشد که به توقیف شده چه در جریان قبل از محکمه یا محبوسیت حق به چالش کشیدن قانونمندی توقیف و دریافت یک تصمیم بدون تاخیر توسط یک محکمه را ضمانت کند. همچنان از لحاظ اجرائی حکمی درین مورد وجود ندارد.^{۶۸}

علاوه بر آن تمام این ضمانت های اجرائی موثراً باید در دسترس قرار داشته باشند. به این معنی که (الف) در قانون صراحت یافته و (ب) چنانچه در نظر گرفته شده اند اجرا گردند. بر علاوه آنها باید بدون تبعیض در دسترس هر توقیف شده قرار گیرند.^{۵۵}

به هر حال نظارت نشان میدهد که همه محافظت های اجرائی در قانون صراحت ندارند و نه هم تمام آنهايي که در قانون موجود اند درست عمل میکنند.

۱- حق حضور یافتن فوری در مقابل یک قاضی یا توانمندی به چالش کشیدن توقیف در مقابل محکمه

قانون افغانستان این حقوق را به افغانها ضمانت نمیکند:

- حضور فوری در مقابل یک قاضی^{۵۶} برای یک ارزیابی ابتدایی و به تعقیب آن ارزیابی دوره ای از قانونمندی توقیف قبل از محکمه^{۵۷}؛ یا
- توانایی شخص نسبت به چالش کشیدن قانونمندی توقیف او و دریافت یک تصمیم بدون تاخیر از نزد محکمه درین مورد.

و نه هم ضمانت مینماید که این حقوق موثراً در دسترس اند. در صورت دسترسی موثر بررسی قانونمندی توقیف و آثار آن باید حقیقی باشد نه فقط رسمی.^{۵۸} این بدان معنی است اولاً، که محکمه نباید تنها به حقایق آشکار نگاه کند بلکه باید تمام اوضاع توقیف به شمول قانونمندی، ضروری بودن و مناسب بودن را ارزیابی نماید. دوم، در صورت دسترسی موثر به آن توقیف شده گان باید توان دسترسی به محکمه را جهت به چالش کشیدن توقیف خود داشته باشند. نگهداری یک شخص بدون وسایل ارتباطی،^{۵۹} در شکل توقیف بدون اجازه دسترسی به نماینده حقوقی،^{۶۰} یا نداشتن اجازه جهت به چالش کشیدن توقیف در مقابل محکمه^{۶۱} یا نقض محدوده زمانی پیش بینی شده در قانون میرساند که این محافظت ها موثراً در دسترس نیستند که در نتیجه به صورت عموم توقیف را خودسرانه می نمایند.

قانون افغانستان:

أ. توقیف را در کنترول خائنوال میگذازد نه محکمه: قانون افغانستان عموماً صلاحیت تصمیم گیری در مورد قانونمندی توقیف و آزاد ساختن توقیف شده گان را به خائنوال واگذار میکند.^{۶۲} در حالیکه قانون بین المللی جداً پیشنهاد مینماید که صلاحیت بررسی قانونمندی باید غیر

علاوه بر آن نظارت نمایان ساخت که بررسی منظم از مناسب بودن یا ضروری بودن یا ملاحظه بدیل های غیر محسوسیت توسط محکمه یا خرنوال نابسندیده اند. به نظر میرسد که مسؤولین به عوض تحت معاینه قرار دادن حالات قضیه اشخاص را صرفاً بخاطر اینکه مظنون یا متهم به ارتکاب جرمی که مستلزم توقیف قبل از محکمه میشود یا محکوم به جرمی بودند که موجب حبس میگردد، توقیف مینمودند. این یافته ها نشان میدهد که به رهنمود های واضح بیشتر در قانون ضرورت است.

با در نظر داشت خلا های موجود در محافظت حقوقی بسیاری از توقیف ها و دستگیری ها در افغانستان که شاید در ابتدا قانونمند باشند خصوصیت خودسرانه را کسب میکنند مانند توقیف های قبل از احضار که خارج از محدوده زمانی پیش بینی شده در قانون اجراء جزایی موقت ادامه یافته اند. چنانچه در بالا ذکر گردید، بسیاری توقیف ها که از ابتدا خودسرانه بوده همچنان مجال تداوم یافته اند. نتیجه عملی آن اینست که توقیف به یک قاعده عمومی تبدیل و مراکز سلب آزادی از حضور یک تعداد قابل ملاحظه اشخاص که قانونمندی، مناسب بودن و ضروری بودن توقیف آنها قابل توجیه به نظر نمیرسد پرازدحام گردند، به خصوص در مرحله قبل از محکمه.

هنوز هم باید توجه صورت گیرد که حتی اگر این فرصت ها در قانون هم موجود میبود آنها موثراً در دسترس قرار نمیگرفتند زیرا سایر عوامل کاربرد آنها را مختل میساخت. این عوامل شامل مسائل ذیل اند: (الف) عدم آگاهی توقیف شدگان از حقوق شان برای به چالش کشیدن قانونمندی توقیف، به وکیل مدافع یا به ارائه دفاعیه توسط خود شان؛ (ب) عدم دسترسی موثر به وکیل مدافع و معلومات لازم جهت به چالش کشیدن توقیف؛ همچنان (ج) عدم پاسخگویی دوامدار محکمه در برابر وکلای مدافع فعال. دلیل دیگری که این حقوق حتی در صورت ضمانت موثراً در سترس نمییود عبارت از ناکامی مکرر پولیس^{۸۰} و خرنوالان^{۸۱} در رعایت محدوده های زمانی موجود و طرز العمل های کنترل قانونمندی توقیف است.

۲- حق محکمه در یک وقت مناسب یا آزادی بمجرد ختم محکومیت: عموماً رعایت نمیگردد

محافظت های موجود جهت ضمانت برخورداری توقیف شدگان از حق محکمه عادلانه، بدون تأخیر و در یک وقت مناسب یا حق آزادی به مجرد ختم حکم محکمه، یا آزادی های مبنی بر حکم محکمه طور منظم نقض میگردند. این چنین تخطی های مکرر یک قسمت قابل ملاحظه از تمام توقیف های قبل از محکمه را خود سرانه مینمایاند.

د. حضور توقیف شده در جریان اقدامات مربوط به توقیف را الزمی نمیندازد: ماده ۹ کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی تصریح مینماید که توقیف شده باید در زمانیکه محکمه قانونمندی توقیف وی را ارزیابی میکند حاضر باشد.^{۶۹} این بمنظور توانمند ساختن توقیف شده جهت پاسخ دادن به استدالات خرنوال و مسؤولین توقیف است.^{۷۰} تا هنوز در افغانستان به توقیف شده یا نماینده وی اجازه حضور یا به چالش کشیدن تصمیم خرنوال مبنی بر قانونمندی توقیف در ۷۲ ساعت ابتدایی یا در وقت تصمیم محکمه مبنی بر ازدیاد وقت صورت دعوا در ۱۵ روز بعد از گرفتاری داده نمیشود.^{۷۱}

ه. رهنمود کافی جهت ضمانت دسترسی موثر به بررسی قانونمندی توقیف را فراهم نمیکند: توقیف قانونی نه تنها باید یک اساس قانونی داشته باشد بلکه باید ضروری و مناسب هم باشد (چنانچه به اثبات رسیده است^{۷۲}). چنین یک بررسی در مجموع اصل مبنی بر اینکه توقیف قبل از محکمه قاعده عمومی نیست را که در قانون اساسی افغانستان^{۷۳} از آن حمایت صورت گرفته و در کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی صراحت یافته باید تعقیب نماید.^{۷۴}

در حالیکه قانون اساسی افغانستان توقیف را جهت حفاظت از آزادی های دیگران و منافع عمومی مناسب و ضروری دانسته،^{۷۵} اما این قانون هیچگونه طرز العمل واضح یا معیاری که بر مبنای آن بررسی رعایت معیار های مناسب بودن و ضروری بودن توقیف انجام شود را تصریح نکرده بلکه به عوض یک رهنمود ابتدایی را در دسترس قرار میدهد.^{۷۶} همچنان این قانون اصل به حد اقل رساندن توقیف قبل از محکمه را تا سرحد امکان تقویت نمیکند.

الف. طور مثال دستوری مبنی بر اینکه توقیف باید بر گمان مناسب در مورد وقوع عمل جرمی استوار باشد وجود ندارد.^{۷۷} ب. بعضی رهنمود های که در قانون صراحت دارند محافظت از حقوق سایرین را تحت شعاع قرار میدهد. طور مثال دستور مبنی بر شدیداً منحصر نمودن توقیف قبل از محکمه به ضرورت جمع آوری اسناد و دریافت حقیقت^{۷۸}، زمینه استفاده از توقیف را در به زور در آوردن معلومات به شمول اعتراف جبری را که موجب نقض حقوق توقیف شدگان میگردد و توقیف را خود سرانه مینمایاند، را فراهم مینماید.

ج. بدیل های از نوع ضمانت حقوقی و سایر ضمانت ها بسند نه بوده و در صورتیکه موجود هم باشند در حالات محدود تطبیق شده میتوانند.^{۷۹}

توقیف قبل از محکمه: نقض دوا مدار محدود های زمانی

نظارت واضحاً بیان نمود که حد اقل یک محدوده زمانی توقیف قبل از محکمه پیش بینی شده در قانون اجراءات جزایی موقت در مورد اکثریت مطلق توقیف شدگان مصاحبه شده نقض گردیده بود که اکثریت توقیف های نظارت شده را خودسرانه قلمداد مینمود زیرا آنها دیگر اساس قانونی نداشتند. نقض محدوده های زمانی تفسیر افغانستان را در مورد آنچه که "بدون تأخیر" و "در یک وقت مناسب" را برای پروسه محکمه یک توقیف شده تشکیل میدهد و توسط قانون اساسی افغانستان آنرا ضروری پنداشته شده است، نماینده گي میکند.^{۸۷}

یک تعداد قابل ملاحظه توقیف شدگان در انتظار قرار های قضایی خارج از محدوده های زمانی قانونی صراحت یافته در قانون اجراءات جزایی موقت بودند. به نظر میرسید که برجسته ترین قضایا آنهایی باشند که خارج از محدوده زمانی ۵ ماهه منتظر تصامیم ستره محکمه بودند.^{۸۸} تمام این تأخیر ها مکرراً به سال ها امتداد می یابند. طور مثال در اواخر ۲۰۰۷ در کابل توقیف شدگانی یافت گردیدند که برای بیش از ۶ سال منتظر قرار قضایی ستره محکمه بودند. همچنان نظارت به تأخیر های دوا مدار به اصدار حکم محاکم استیناف (که از ابتدای اعلام قرار اصلی ۲ ماه وقت دارد) نظر به محاکم ابتدایی (که از آغاز درج صورت دعوا تا به اصدار قرار قضایی ۲ ماه وقت دارد) اشاره مینمود.^{۸۹} با آنهم تأخیر های سطح محکمه ابتدایی مشابه بودند. طور مثال در تمام قضایای نظارت شده در مرحله اول نظارت در ولایات کابل، کاپیسا، پروان، لوگر، پنجشیر و وردک محدوده زمانی ۲ ماه نقض شده بود.^{۹۰} تأخیر در محاکم بعضی اوقات به این مفهوم بود که وقت توقیف شدگان در توقیف بیشتر ازان بود که حکم اصدار شده پیشنهاد مینموند یا قانوناً برای چنین گناهی مجاز دانسته میشد.

سایر یافته های نگران کننده آنهایی بودند که دران یک تعداد توقیف شدگان بری الزمه شناخته شده یا از مجازات علیه شان کاسته شده بود ولی همچنان در توقیف مانده بودند. دلایلی ارائه شده درین زمینه شامل عدم توانایی محاکم و خانونالان به انتقال تصمیم کاهش مجازات و حکم رهایی، موجودیت تصمیم ولی نبود حکم واضح رهایی، یا نبود ضمانت که مبنی بر آن توقیف شده آزاد ساخته شود (باوجود عدم ضرورت آنها در تصامیم محاکم) میشدند. طور مثال یوناما دریافت نمود که مسؤولین مرکز سلب آزادی وزارت عدلیه در هرات از آزادی ۵ زن که بعد از تحقیقات از اتهامات بری الزمه شده بودند (طور مثال جلب نشده) سر باز زدند بخاطریکه آنها یک ضامن نداشتند. در کابل در ماه جولای ۲۰۰۷ نزده محبوس بخاطر عدم توانایی به ارائه یک ضامن یا پرداخت ضمانت پولی آزاد نگردیدند.

توقیف بعد از اصدار حکم: ناکامی در رهایی بمجرد اكمال محکومیت

در سراسر افغانستان مسؤولین مراکز سلب آزادی وزارت عدلیه الزاماً محبوسینی را که معیاد قانونی محکومیت خود را تکمیل^{۹۱} یا فرمان رئیس جمهور مبنی بر رهایی قبل از وقت آنها، آزاد نکرده بودند.^{۹۲} مسؤولین مراکز سلب آزادی وزارت عدلیه و محبوسین به ناظرین ابراز نمودند که بسیاری محبوسین باوجود تکمیل معیاد محکومیت شان بخاطر عدم ارائه ضمانت یا ضمانت پولی رها نمیشدند.^{۹۳} شورای عالی ستره محکمه چنین یک مشروطیت بخاطر رهایی را به عنوان تخطی از ماده ۲۷ قانون اساسی رد نموده است.^{۹۴}

۳- سایر ضمانت های اجرائی: عموماً رعایت نشده – به خصوص از وکالت مدافع

نظارت ها نشان داد که پولیس، خانونالان و قضات به صورت مداوم و مکرر حقوق اجرائی را رعایت نمیکند یا از آن آگاهی ندارند باوجود اینکه قانون افغانستان واضحاً در مورد آن حکم مینماید.^{۹۵}

حق دسترسی به وکالت مدافع یا دفاع از خود

افغانها عموماً از حق دسترسی به وکالت مدافع خود یا پیشبرد دفاعیه خود شان آگاهی ندارند و نه هم برخوردار از دسترسی به وکالت مدافع یا توانایی پیشبرد دفاعیه خود شان استند.^{۹۶}

اکثریت مطلق توقیف شدگان از دسترسی به وکالت مدافع برخوردار نبودند. در هیچ کدام از قضایای نظارت شده توقیف شده از آغاز زمان دستگیری تا به محکمه از وکالت مدافع برخوردار نبودند.^{۹۷} در جریان مرحله اول نظارت دریافت گردید که از میان ۹۳۱ شخص که با آنها مصاحبه صورت گرفت ۵۸۲ فیصد آنها وکیل مدافع نداشتند. از جوابی که درین مورد ارائه شد به نظر میرسید یا توقیف شده ازین حق آگاهی نداشت (۶۱۵ فیصد)، و یا هم وکیل مدافع وجود نداشت (۴۳۶ فیصد) یا وی تدارک وکیل مدافع را نمی توانست (۸۱۲). این نماد در سراسر جریان نظارت ادامه داشت.^{۹۸} همچنان نظارت دریافت نمود که به مجرد دخالت وکلای مدافع در قضیه آنها مواجه به تهدید مسؤولین بلند رتبه و نهاد های دولتی مانند ریاست امنیت ملی جهت رهایی قضیه میشدند.

حق عدم شهادت علیه یک شخص به شمول حق خاموش ماندن

همچنان به نظر میرسد که پولیس، خانونالان و قضات مکرراً حق

مصاحبه دهنده گان (۹۷۶ مصاحبه دهنده) اتهامات علیه خود و دلایل توقیف را میدانستند. فقط ۵۸ فیصد (۶۵۸) تن از کسانی که دلایل توقیف خود را میدانستند در زمان دستگیری از آن آگاه ساخته شده بودند. نظارت بعدی هم به کدام تغییری اشاره نمود.

باوجود آن نظارت واضحاً دریافت نمود که پولیس، څارنوالان و تا یک اندازه قضات توقیف شدگان را متداوماً ازین حقوق شان آگاه نمیکردند. بعضی څارنوالان به ناظرین گفتند که آنها قصد این کار را نمیکند بخاطر اینکه آنها به این باور اند که این حقوق تحقیقات را مختل میسازند.^{۹۶}

در مجموع نظارت دریافت نمود که نبود محافظت های اجرایی مناسب قانونمندی اکثر توقیف ها را سوال برانگیز مینمایاند. عدم رعایت قانون و نهایتاً حقوق توقیف شدگان نه تنها حاکمیت قانون و اصل براءت الذمه را تحت شعاع قرار میدهند بلکه زمینه سوء استفاده از توقیف را فراهم و آنرا خودسرانه میسازند. عدم رعایت و کالت مدافع مخصوصاً مشکل برانگیز است چنانچه دسترسی و حضور وکیل مدافع میکانیزم اساسی را تهیه مینماید که مانع بسیاری از توقیف های خودسرانه و موجب کاهش سایر سوء استفاده ها میگردد. در حین زمان باید اعتراف گردد که منابع ناکافی فیزیکی و بشری مانند قضات، څارنوالان، وکلای مدافع، محلات و ادارات محاکم مانع اجرای مسؤولیت های مؤولین میشوند.

عدم شهادت علیه یک شخص را رعایت نمیکند. در نتیجه بعضی اوقات توقیف قبل از محکمه به عوض اینکه منحیث یک میکانیزم محافظتی و بازدارنده استفاده شود به مثابه یک ابزار برای تحقیق استفاده میگردد. در جریان نظارت "اعتراف" جبری به صورت منظم راپور گردیده - تقریباً ۱۶۵ مصاحبه دهنده - (۱۵ فیصد) در مرحله اول نظارت با چنین قضایا در سراسر جریان نظارت راپور گردیده است.^{۹۴} از جمله ۱۹۹ قضیه که در ولایات کندز، بدخشان، تخار و بغلان نظارت شده بودند، ۱۶۶ (۸۳ فیصد) توقیف شدگان از حق خاموش ماندن شان آگاهی نیافته بودند. نماد های مشابه در سراسر کشور شناسایی شدند.^{۹۵} علاوه بران به نظر میرسد که محاکم متداوماً این حقوق را رعایت نکرده و نه هم شواهد بدست آمده در اثر فشار را ملغی میکنند، که در نتیجه موجب شک بالای صحت اتهام یا محکومیت وارده میگردد.

حق آگاهی از دلایل توقیف در زمان دستگیری و آگاهی فوری از تمام اتهامات

یک استثنای قابل ملاحظه در میان نماد های شناخته شده حق آگاهی از دلایل توقیف در زمان دستگیری و آگاهی فوری از تمام اتهامات است. عموماً توقیف شده گان دلایل توقیف و اتهامات علیه خود را میدانستند. در مرحله اول نظارت تقریباً ۸۶ فیصد

۴. عوامل ریشه‌ی نماد های شناسایی شده

عامل ریشه‌ی ۱: مفاهیم متناقض عدالت

مفاهیم متناقض عدالت در سیستم رسمی عدالت در افغانستان تطبیق میشوند: آنهاییکه اساس سیستم رسمی عدالت در افغانستان را تشکیل میدهند و آنانیکه در سیستم غیر رسمی عدالت در افغانستان گنجانیده شده‌اند و روش های عرفی و مذهبی. این خلاف توقع نیست که سیستم رسمی عدالت جزایی در افغانستان و معیار های بین المللی که به تعریف چگونگی فعالیت آنها کمک میکند، در مقایسه با سیستم غیررسمی عدالت افغانستان، و روش های عرفی و مذهبی نسبتاً جدید هستند. در نتیجه یک تعداد زیاد افغانها به شمول آنهایی که سیستم رسمی عدالت را تشکیل میدهند سیستم رسمی عدالت و معیار های آنرا الزاماً نمی فهمند.

مشکل از آنجا برمیخیزد که بعضی مفکوره های عدالت انطباق شده از سیستم غیر رسمی عدلی و روش های عرفی و مذهبی مفاهیم سیستم رسمی عدالت را تقویت، و اما بعضی دیگر آنها با مسائلی که در قانون اساسی افغانستان یا قانون بین المللی گذاشته شده‌اند انطباق ندارند. کاربرد این مفاهیم گیج کننده در سیستم رسمی عدالت بسیاری اوقات کرامت افغانها و دسترسی آنها به عدالت را به خطر مواجه ساخته و منجر به توقیف های خود سرانه و تخطی از سایر حقوق میگردد. در جریان پروسه این موضوع امانت داری سیستم رسمی عدالت و حاکمیت قانون را تحت شعاع قرار میدهد.

جهت ایجاد تدابیر موثر اصلاحی فرق بین این مفاهیم عدالت ضرورت به شناخت و برخورد از طریق اصلاح در پالیسی، قانون، طرز العمل ها، آموزش و آگاهی دهی دارند.

بقیه این بخش بعضی ساحات کلیدی فرق بین مفاهیم عدالت که اساس سیستم رسمی عدالت را تشکیل میدهد و آنهایی که در سیستم غیر رسمی عدلی و روش های عرفی و مذهبی گنجانیده شده‌اند را برجسته مینماید.

اصل مجرمیت

انفاذ اصل مجرمیت توسط مسئولین توقیف (پولیس، خانونالان و قضات)^{۹۷} در سراسر افغانستان که در جریان نظارت شناسایی گردید قابل نگرانی شدید میباشد.^{۹۸} اصل مجرمیت بنیاد مفهومی را برای بسیاری از توقیف های خود سرانه در افغانستان بوجود می آورد. اصل مجرمیت سیستم عدالت جزایی را جهت توقیف قبل از محکمه متهم تحت نفوذ آورده، احترام به حقوق توقیف شدگان را می نماید و بسیاری محافظت های اجرایی را غیر موثر مینمایاند.

این مفکوره بوسیله یک تلقی عمومی مبنی بر اینکه آنهاییکه متهم به جرایم هستند حتی بعد از تکمیل محکومیت شان مستحق کرامت و عدالت نیستند، ترکیب گردیده است.

در مجموع این عوامل منجر به متخاصم شدن قضات با حق توقیف شدگان به وکیل مدافع و احضار دفاعیه، به توجیه اعترافات جبری کمک نموده و منتج به عدم رهایی در ختم محدوده زمانی یا کاستن از محکومیت، میگردد. این همچنان احتمال بدیل به توقیف یا ملاحظه بدیل محکومیت را از میان می بردارد و موجب عدم رهایی بدون ضمانت محبوسین در ختم محکومیت شان میگردد.

برداشت متفاوت از وظیفه و هدف توقیف و محافظت های اجرایی وابسته به آن

بسیاری از پولیس، خانونالان و قضات یک برداشت متفاوت از وظیفه توقیف و محافظت های اجرایی وابسته به آن نسبت به آنچه که در چهارچوب حقوقی سیستم رسمی عدالت به کار برده میشوند، دارند. در سیستم رسمی عدالت و معیار های بین المللی توقیف قبل از محکمه عموماً یک میکانیزمی در جهت جلوگیری از صدمه بیشتر به حقوق سائرین یا مدارک، فرار مظنون یا متهم، یا تکرار دوباره جرم است و باید در پرتو اصل براءت الذمه به حداقل رسانده شود. به هر صورت در افغانستان جائیکه فعلاً اصل مجرمیت مطرح بوده توقیف قبل از محکمه وسیعاً ابزاری است برای بازجویی و طریقی برای سرزنش متهم. توقیف برای محکومین صرف به عنوان مجازات نه یک اصل احیا کننده جهت جلوگیری از فعالیت های بیشتر جرمی بعد از رهایی مطرح است. (به بند ۳ ماده ۱۰ کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مراجعه شود)

محافظت های اجرایی عموماً کارا نیستند بخاطریکه آنها مکرراً غیر ضروری یا مانع تحقیقات و محکومیت ها به عوض محافظت در مقابل بی عدالتی ها مانند توقیف دراز مدت اشخاص بی گناه پنداشته میشوند. یوناما دریافت نمود که پولیس، خانونالان و قضات که از حقوق توقیف شدگان آگاهی دارند در بسیاری مواقع قصداً حقوق توقیف شدگان را در پی گیری یک اعتراف، اتهام یا محکومیت نادیده می انگارند. آنها به عنوان بیان ادعا میدارند که حقوق بشر مانع کار آنها میشوند.

نبود عرف و کالت مدافع و خصومت علیه آن

به کار گماشتن یک وکیل مدافع یک مفکوره نسبتاً جدید در افغانستان است. همچنان نظارت نشان داد که به کار گماشتن وکیل

تطبیق مفاهیم عرفی و مذهبی که یک جرم را تشکیل میدهد (و عدالت) داخل سیستم رسمی عدالت تفسیر مینمایند. پولیس اغلباً این عمل را انجام میدهد. مرکز پاسخگویی به مشکلات فامیل ها که جهت رسیدگی و دادخواهی به نمایندگی از زنان و دختران قربانی خشونت بر مبنای جنسیت طرح گردیده در بعضی مواقع قربانی را به دست مرتکبین یا در بسیاری موارد به فامیل ها بر مبنای اینکه آن خانم با مراجعه نزد آنها به فامیل خود بی احترامی کرده یا در نتیجه جرم پنداشتن چنین اعمال، سپرده اند.

همچنان نماد های دریافت شده در مورد قضایای تجاوز جنسی و قاچاق مبین این متحرک هستند. یک تلقی عمومی مبنی بر اینکه قربانیان زن در اشتباه اند و به فامیل خود بی احترام نموده اند به عوض اینکه به آنها منحصراً قربانی یک جرم نگاه شود، وجود دارد. خائنان متداوماً اتهامات مبنی بر تجاوز جنسی را تحقیق یا احضار و همچنان قضات با موجودیت مدارک معتبر عاملین آنها را محکوم نمی نمایند.^{۱۱}

دریافت راه حل ها

اعمال وسیع توقیف خود سرانه تا زمانیکه این تفاوت های مفهومی موفقانه خاتمه داده نشوند از میان نمرود. در این مورد تغییر اصل مجرمیت به براءت الذمه چنانچه در قانون اساسی افغانستان و قوانین و معیارهای بین المللی گنجانیده شده از اهمیت بسیار برخوردار است. همچنان ضرورت به تغییر تلقی در مورد آنها یک مرتکب گناه شده اند، برنامه های آموزش دهی، ارتقای ظرفیت و آگاهی دهی همگام با تقویت این مفاهیم از طریق اصلاح قوانین، پالیسی و طرز العمل ها و برخورد با آنانیکه این مفاهیم را رعایت نمی کنند ضروری است.

حمایت رهبران اجتماعی و مذهبی هم چنانکه توضیح در مورد اینکه آیا شریعت میتواند در مجرم جلوه دادن کردار غیر قابل قبول اجتماعی، فرهنگی و مذهبی بعضی اجزای جامعه تطبیق گردد، در تغییر متحرکین مرتبط به زنان ضروری است. تلاش های بیشتر به هم پیوسته جهت تقویت وضعیت زنان و تساوی حقوق شان به وقار و عدالت ضروری هستند. کشایش مباحثات پیرامون تجاوز جنسی، قاچاق و خشونت بر مبنای جنسیت و قربانیان آن و همچنان بیانات اسلام در این مورد مفید خواهد بود. همچنان قربانیان برای بازگونی داستانهای شان جهت آگاه سازی زنان و مردان در مورد آثار خورد کننده تجاوز جنسی، قاچاق و خشونت های خانواده گی به فضای مناسب ضرورت دارند. ابتکاراتی مانند برنامه های رادیویی که در آن قربانیان زن تجارب خود را با دیگران شریک می سازند در گذشته مفید واقع گردیده اند. ابتکارات درحال اجرای برنامه حمایت از سکوت عدلی جهت حمایت از قربانیان در پروسه قانونی باید تشویق گردند تا باشد که قربانیان آواز خود را در جریان اقدامات قضائی بلند نمایند.

عامل ریشه یی ۲: چهار چوب های حقوقی نامناسب

توقیف خود سرانه قسمّاً به خاطر خلا های موجود در چهار چوب

مدافع به عنوان نشانه مجرمیت، نه به صورت یک حفاظت حساس در برابر سوء استفاده از قدرت و توقیف خودسرانه دیده میشود. طور مثال بسیاری از توقیف شدگان به ناظرین ابراز داشتند که آنها ضرورت به گماردن وکیل مدافع ندارند زیرا آنها گناهکار نیستند. همگام با اصل مجرمیت موضوع عدم آشنایی با وظیفه و هدف وکلای مدافع به نظر میرسد که موجب خصومت پولیس، خائنان و محاکم علیه وکلای مدافع میشود. چنانچه بوسیله ناکامی متداوم در آگاهی دهی از حق دسترسی به وکیل مدافع آنها و محدودیت های گذاشته شده بالای دسترسی وکلای مدافع به تحقیقات، اقدامات و اسناد به آن اشاره شد. قضات ستره محکمه باوجود تأیید رسمی حضور وکیل مدافع در جلسات قضایی،^{۱۲} همچنان در جریان مباحثات اشاره نمودند که مظنونین و متهمین کتگوری های مشخص جرایم (مخصوصاً آنانیکه مرتبط با فعالیت های شورشی یا ضد دولتی اند) باید به وکیل مدافع دسترسی نداشته باشند.

در نتیجه وکلای مدافع قادر به فعالیت موثر یا برخورد با توقیف های خودسرانه نمیشدند. بسیاری از توقیف های خودسرانه که قابل جلوگیری بودند ادامه دارد. این موضوع بوسیله نبود وکلای مدافع در بسیاری از ولایات کشور تقویت گردید.

مفهوم پیچیده حقوق زنان و دسترسی به عدالت

تضاد میان مفاهیم عدالت در سیستم رسمی و سیستم غیر رسمی عدالت، و روش های عرفی و مذهبی در مورد حقوق زنان و دختران بیشتر شدید و مشکل برانگیز هستند. زنان و دختران مکرراً بخاطر "جرایم اخلاقی" که در عدالت رسمی جرم پنداشته نشده، توقیف میگرددند. همچنان آنها بعد از ملوث شدن به جرم در نتیجه قربانی تجاوز جنسی یا آزار جنسی شدن توقیف میشوند. این روش ها عموماً روش های عرفی و مذهبی و مفاهیم عدالت در ارتباط با زنان و دختران را بازتاب میدهند.

موقف پائین زنان در سیستم های غیر رسمی عرفی و مذهبی افغانستان، در سیستم رسمی عدالت همچنان دیده شده است. حقوق زنان به صورت کامل رعایت نمیشود و آنها برابر به مرد تلقی نمیگردند. بسیاری از مسؤولین ارگان های حراست از قانون و قضا که در سیستم عدالت جزایی فعالیت دارند طرفدار این نظر اند و در جریان تطبیقات قانونی شان آنها بازتاب میدهند.^{۱۳} در نتیجه زنان از محافظت مناسب قانون برخوردار نبوده و خودسرانه توقیف میگرددند.

مکرراً قضات و خائنان چنین توقیف های خودسرانه را با بیان اینکه جرایم اخلاقی مانند فرار از منزل به اساس ماده ۱۳۰ قانون اساسی افغانستان که تطبیق فقه حنفی (طور مثال شریعت) را در صورت خلا قانونی اجازه میدهد جرم پنداشته میشوند، توجیه مینمایند. از طرف دیگر چنانچه به بحث گرفته شد مسؤولین بعضی اوقات احکام قانون را جهت توانمند ساختن آنان برای

عامل ریشه یی ۳: سیستم رسمی در حال انکشاف نهاد ها، دانش، ظرفیت و ابزارها

توقیف های خود سرانه قسماً به خطای واقعی میگردند که سیستم رسمی عدالت در حال انکشاف دادن دانش، ظرفیت و ابزارها و همچنان نهاد های ضروری برای محافظت در برابر توقیف خود سرانه است^{۱۵}. در حالیکه ظرفیت و مشروعیت آن در حال رشد اند سیستم رسمی عدالت تلاش می نماید تا مسؤولیت های خود را بخصوص در نقاط دور دست انجام دهد. بعضی ولسوالی های دور افتاده بدون محاکم فعال ابتدائیه و خرنوالان باقی میمانند همچنان مسایل امنیتی موانع را در برابر اداره عدالت قرار می دهد. غیابت خرنوالان و قضات و گاهی هم پولیس به مشکل می افزاید.

پولیس، خرنوالان و قضات دانش حقوقی تخنیکی محدود دارند. بسیاری خرنوالان، قضات و وکلای مدافع دارای توانائی لازم حقوقی نمی باشند. بطور مثال در بسیاری مواقع قانون چنانچه پیشبینی شده دقیقاً اجرا نمی گردد. ازاینرو توقیف های خود سرانه واقع می گردند.

پولیس و خرنوالان در افغانستان دارای مهارت ها و ابزار تحقیق و بازجویی محدود اند. در نتیجه بالای توقیف به عنوان ابزار اخذ جبری معلومات اتکا می شود که منجر به توقیف های خود سرانه و دوامدار متهم، مظنون، خویشاوندان و وابستگان آنها می گردد.

افغانستان تا هنوز دارای یک میکانیزم فعال ردیابی بین الحوزوی حتی در سطح ولسوالی یا یک سیستم ضمانت مالی موثر یا یک سیستم ضمانت بدیل ندارد. در نتیجه قضات عموماً مجبور به ادامه توقیف حتی با وجود کاسته شدن محکومیت بخاطر جلوگیری از فرار، میشوند. در حالیکه ترس از فرار یک دلیل قوی توقیف قبل از محکمه بوده میکانیزم های کمکی برای کاستن آن جهت اطمینان از احترام به اصل برائت الذمه و جلوگیری از توقیف قبل از محکمه به عنوان یک قاعده عمومی باید به وجود بیاید. در عدم موجودیت چنین میکانیزم نه تنها مراکز سلب آزادی پرازدحام میگردند بلکه احتمال خود سرانه شدن توقیف نیز می رود.

ظرفیت نامناسب اداری و اداره قضیه مانع پیشبرد تحقیقات و قضایا در زمان معین می گردند. ازاینرو توقیف دوامدار و بسیاری آنها خودسرانه ارایه می گردد. در عین زمان نبود هم آهنگی و همکاری فعال میان پولیس، خرنوالان، محاکم و مراکز سلب آزادی احتمال توقیف خود سرانه را در نتیجه خطای اداری به وجود می آورند.

نبود میکانیزم فعال نظارت داخلی در این نهاد موجب توقیف های

حقوقی همراه با تناقضات و ساحات گنگ که نمونه های آن باز گو گردید تداوم می نماید که شامل مسایل ذیل اید:

- عدم وضاحت در مورد اینکه آیا کردار های مشخص جرم شمرده می شوند مخصوصاً زمانی که وابسته به تفسیر شریعت و روش های عرفی و مذهبی اند.
- نبود محافظت های اجرائی مخصوصاً حق احضار فوری نزد یک قاضی در توقیف های جزایی و به چالش کشیدن قانونمندی توقیف در برابر یک محکمه در تمام توقیف ها.
- بدیل های نابسنده به توقیف و محبوس شدن در قانون^{۱۶}.

علاوه بر آن توقیف شده گان خود سرانه دچار افسردگی در جریان توقیف بخاطر عدم وضاحت در مورد اینکه کدام نهاد صلاحیت آزادی آنها را دارد، می شوند. به طور مثال به نظر می رسد که وزارت عدلیه، خرنوال محکمه و کمیته ها و شورا های متفاوت صلاحیت آزاد سازی از مراکز توقیف وزارت عدلیه را در مراحل مختلف دارند. ولی اینکه چگونه این مسؤولین با هم در ارتباط اند و چگونه آنها را وارد عملیات نموده در قانون واضحا صراحت ندارد^{۱۷}.

قانون الزاماً در پرتو سطح دانش و فهم حقوقی موجود رهنمود کافی نمی دهد. یک مثال واضح در این مورد عدم آگاهی پولیس مبنی بر اینکه آنها صلاحیت رهائی اشخاص از حبس را در جریان ۴۸ ساعت ابتدائی دستگیری در صورت عدم موجودیت شواهد کافی به حمایت توقیف دارند، حتی اگر به خرنوال هم آگاهی نداده باشند، بوده میتواند. این خلا های آگاهی احتمالاً به خاطر آن است که در قانون پولیس به این صلاحیت آزادی به طور ضمنی اشاره صورت گرفته نه به شکل نوشتاری و واضح^{۱۸}.

باید اعتراف نمود که قانون به صورت درست پیاده نمی شود. به هر صورت قانون بنیادی است که بر مبنای آن محافظت ها از توقیف خود سرانه بنا میشوند. و اما خود آن مشکل بر انگیز است. قانون بیشتر متمایل به توقیف نسبت به بدیل حبس است و اصل مجرمیت را در سیستم موجود تقویت می نماید. خلا های قانون ضعف های سیستم را وسعت می بخشند و زیان های اند به حفاظت حقوق توقیف شده گان.

دریافت راه حل ها:

برای مطابقت به قانون اساسی افغانستان سایر قوانین باید اصلاح و واضح گردند به شمول قانون اجرائی جزائی موقت، قانون جزا و قانون محابس و مراکز سلب آزادی.

ندارد. اکثریت آنان که در توقیف چه خودسرانه یا قانونی به سرمیرند اشخاص فقیری هستند که منابع مالی یا نفوذ لازم برای رهایی خود را ندارند.

همچنان نظارت ضعیف در داخل سیستم واز سیستم رسمی عدالت جزائی و هماهنگی نادرست میان نهاد های کلیدی هم سان با طرز تفکر مبنی بر برطرفی و جزا دادن مسؤولین موفق در کارها به عوض ترقی و پاداش آنها به ادامه معافیت و فساد کمک می نماید.

دریافت راه حل ها

تا وقتی که حاکمیت قانون قویاً فراگیر میشود، به سخت کوشی در شکل نظارت قوی و میکانیزم های حسابدهی همرا با وسایل موثر تطبیقی جهت جلوگیری از توقیف خود سرانه ضروری خواهد بود. همچنان حمایت سیاسی قوی و اساسی اعم از طرف رهبران ملی و جامعه بین المللی یک پیش شرط لازم برای مبارزه با معافیت و فساد و تقویت حسابدهی است.

عامل ریشه یی ۵: برنامه های ناتکمیل آموزشی، انتقای ظرفیت و آگاهی دهی

تلاش های برجسته در راستای آموزش و انتقای ظرفیت پولیس، خازنوالان، قضات و مراکز سلب آزادی در مورد سیستم رسمی عدالت و قوانین مرکبه آن صورت گرفته اند. هنوز هم چنانچه به بحث گرفته شد این مسؤولین مکرراً بسیاری از مفاهیم را به شمول وظایف توقیف یا محافظت های اجرائی نمی فهمند. این موضوع نشان میدهد که ابتکارات آموزشی و ارتقای ظرفیت باید بازنگری شوند چنانچه این مفاهیم یا مسؤولیت فعالین مختلف در تطبیق عدالت را مؤثراً بازتاب نداده و تقویت نمی کنند. یک عامل دیگری که تا هنوز هم بصورت واضح به بحث گرفته نشده عدم آگاهی افغانان از حقوق شان در سیستم رسمی عدالت است. بدون چنین دانش افغانها قادر به ادعا و یا هم خواستن حقوق شان نخواهند بود. برنامه های آگاهی دهی که تا فعلاً وسیعاً محدود بوده و هماهنگی لازم در تطبیق آنها میان همکاران کلیدی مانند کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و سازمان های غیر حکومتی صورت نگرفته است.

دریافت راه حل ها

یک کمپاین سراسری ملی و هماهنگ در این راستا مفید خواهد بود. چنین کمپاین میتواند در برگیرنده برنامه های رادیویی، گردهمایی های عمومی، اجرای تیاتر و توزیع معلومات برای افراد که از سطح بلند آگاهی برخوردار اند، باشد. ابزار آگاهی دهی مانند جریده وزارت عدلیه برای محبوسین زن در مورد حقوق آنها (که توسط UNODC و UNFIEM حمایت گریده بود) باید ادامه یابند.

خود سرانه می گردد. در جریان دوره نظارت خازنوالان دوره های توقیف قبل از محکمه را جهت مطابقت با قانون بصورت دوام دار نظارت نیمکردند^{۱۰۶}. افسران حقوق بشر پولیس ملی افغان که وظیفه آنها نظارت و توقیف در زندان های پولیس میباشد^{۱۰۷} بصورت دوام دار این وظیفه را انجام نمی دهند و نه آنها از صلاحیت یا حمایت لازم جهت برخورد با تخطی ها، برخوردار نیستند^{۱۰۸}. در نتیجه نه تنها توقیف خود سرانه ادامه میابد بلکه یک محیطی به وجود میاید که موجب توانمندی سوء استفاده از قدرت که منجر به توقیف خود سرانه می شود، میگردد.

یک عامل دیگر این است که مسؤولین مراکز سلب آزادی وزارت عدلیه و سایرین که توقیف شده گان را در ختم محدوده زمانی یا در نتیجه تجربه شورش در مراکز سلب آزادی شان بخاطر آزردهی از ناحیه نقض محدوده زمانی رها می نمایند تهدید، و گاهی هم خود شان توقیف میشوند. ازاینرو مسؤولین توقیف به رهایی توقیف شده گان خودسرانه بدون حمایت قوی یک خازنوال و یا هم مسؤولین بلند رتبه متمایل نیستند و آنها را همچنان در توقیف نگاه می دارند.

در صورت جلوگیری از تعداد قابل ملاحظه توقیف های خودسرانه ضعف های سازمانی باید برطرف شوند.

دریافت راه حل ها :

برنامه آموزشی و ارتقای ظرفیت جهت تقویت دانش و ظرفیت مسؤولین روی موضوعات توانائی های تحقیق و بازجویی باید اصلاح گردید. طرز العمل های عملیات معیاری، لویج و قرار داد های بین سازمانی در سطح ولسوالی ها، ولایات و مرکز بخاطر تقویت، هماهنگی و اجرای درست قانون باید ایجاد گردند. سایر ابزار مانند سیستم قوی ضمانتی و میکانیزم رد یابی بین الحوزوی باید انکشاف داده شوند. بالاخره فرهنگ پاداش و تشویق مسؤولین قانونمند به عوض تهدید آنها در ادارات باید ترویج یابد.

عوامل ریشه یی ۴: معافیت، فساد و حسابدهی ضعیف

بازسازی چارچوب حقوقی یا تقویت نهاد ها، دانش و ظرفیت آنها در صورت عدم رسیده گی به معافیت و فساد از خود آثار محدود به جا میماند. توانمندی دوامدار صاحبان قدرت چه در داخل یا خارج نهاد های دولتی به انحصار سیستم عدالت جزائی به نفع خود شان - به شمول دور نمودن پیگرد های عدلی از خود شان - منجر به تشویق توقیف خودسرانه میگردد. فساد چه در شکل پول، موقف یا نفوذ سیستم عدالت جزائی را تحت نفوذ آورده است. همچنان عدم توانمندی به حساب گیری از مسؤولین و رهبران بخاطر چنین اعمال در حالت فعلی و گذشته موجب توقیف خودسرانه میگردد

در نتیجه عدالت در افغانستان برای تمام افغانان مساویانه وجود

ضمیمه ۱: سفارشات جوانب زیربط

سفارشات به دولت افغانستان

سفارش ۱

- ریاست تقنین وزارت عدلیه با دریافت توصیه از طرف لوی څارنوالی، وزارت داخله و ستره محکمه تشویق میشود تا به صورت فوری کار بازنگری چهارچوب حقوقی به شمول قانون جزا را آغاز نموده و به تجدید نظر به مسوده قانون اجراءات جزایی ادامه دهد تا به تعدیلات پیشنهاد شده در سفارش شماره ۱ در اولویت قرار گیرد.

سفارش ۲

- کابینه و ستره محکمه تشویق میگردد تا میکانیزم های نظارت بین سازمانی را که به قضایای توقیف های غیرقانونی طویل مدتی که در سطح ولسوالی یا ولایت حل شده نمیتوانند رسیدگی کنند، طرح نمایند. قبل از طرح این میکانیزم،

○ کابینه در مشاورت با ستره محکمه دستور، محدوده و صلاحیت های کاری شورای عالی محابس و در سطح ولسوالی و ولایت کمیته نظارت از اداره مراکز سلب آزادی وزارت عدلیه را که در قانون محابس و مراکز سلب آزادی تشکیل شده اند، تشریح نماید. به صورت مشخص این موضوع باید تشریح شود که آیا این میکانیزم میتواند توقیف های غیرقانونی را شناسایی و یا افرادی را که به شکل غیر قانونی توقیف شده اند رها نماید یا خیر.

○ وزارت عدلیه، وزارت داخله و لوی څارنوالی صلاحیت و روند جلوگیری از توقیف های غیرقانونی در محلات سلب آزادی وزارت داخله را که افراد توقیف شده باید به مراکز سلب آزادی وزارت عدلیه انتقال میشدند، توضیح نمایند.

- تا زمانیکه موضوعات فوق توضیح و یک میکانیزم دایمی نظارت داخلی سازمانی تاسیس میگردد،

○ وزارت عدلیه، لوی څارنوالی و وزارت داخله تشویق میگردد تا به صورت فوری و مشترک در هر ولایت به

مراکز سلب آزادی، څارنوالان و پولیس هدایت دهد تا راپوری مفصلی را در مورد وضعیت همه توقیف شده گان و محبوسین که در مراکز سلب آزادی وزارت داخله و وزارت عدلیه در ولایات شان نگهداری میشوند، در ظرف یک ماه ترتیب کرده و برای حل آن اقدامات لازم اتخاذ نمایند.

- درین راپور ها همه قضایای احتمالی توقیف خود سرانه نشانی شده و هر فعالیت برای پی گیری و یا موانع موجود در راه حل ها باید واضح گردند.
- به منظور نظارت، اتخاذ نمودن اقدامات لازم و یا رجعت دادن قضایا به مراجع مربوط، این راپور باید به رئیس محابس وزارت عدلیه، رئیس حقوق بشر وزارت داخله و معاون لوی څارنوال ارائه گردد.
- تا زمانیکه یک میکانیزم دیگر طرح شود، این راپور باید به شکل ربع وار ارائه شود.

- هر نهاد (وزارت داخله، وزارت عدلیه، لوی څارنوال و ستره محکمه) تشویق میشود تا میکانیزم های نظارت داخلی را که طرح شده اند ارزیابی نموده و موثریت آنها در رابطه به شناسایی، حل و جلوگیری از توقیف های خود سرانه را الی اخیر ماه می سال ۲۰۰۹ بررسی کرده و به اساس این ارزیابی الی اخیر ماه جولای سال ۲۰۰۹ یک پلانی را جهت تقویت بخشیدن این میکانیزم ها طرح نماید. به ویژه پیشنهاد میشود تا موثریت افسران حقوق بشر وزارت داخله و څارنوالان ناظر دفتر لوی څارنوال و همچنان ظرفیت نظارت ستره محکمه مورد بررسی قرار داده شوند.

- وزارت داخله، وزارت عدلیه و لوی څارنوالی جداً تشویق میگردد تا به میکانیزم های نظارت داخلی ارگان مربوطه خود (افسران حقوق بشر، رؤسای محابس و څارنوالان ناظر) که از محابس نظارت میکنند وظیفه دهند تا تعداد دفعات نظارت و راپور دهی را با در نظر داشت معیاد های قانونی کوتاه به حد اقل دو هفته بعد از دیاد بخشند.

- طوریکه در ستراتیژی ملی سکتور قضایی تقاضا شده است، پیشنهاد میشود تا قواعد اخلاقی و معیار های مسلکی در وزارت داخله، وزارت عدلیه، لوی څارنوالی و دستگاه عدلی و قضایی طرح و تطبیق گردند.

سفارش ۳

- پیشنهاد میشود تا ستره محکمه، وزارت داخله، ریاست محابس و مراکز سلب آزادی وزارت عدلیه و لوی څارنوالی به موافقه هم طرزالعملی را بمنظور هماهنگی مسایل مربوط به توقیف در سطح ولسوالی ها، ولایات و مرکز به هر زودی که ممکن است طرح نمایند. این طرزالعمل باید شامل قواعد و مقررات در مورد مسائل ذیل باشد: انتقال دوسیه ها در بین نهاد ها، اتخاذ اقدامات لازم در صورتیکه دوسیه ناقص و یا ناپدید باشد، طرزالعمل ها برای فعالیت های تعقیبی زمانیکه معیاد توقیف در حال نقض شدن باشد.
- تشویق میشود تا پروژه های شامل در برنامه ملی قضایی که هدف آن انکشاف سیستم های اداره معلومات و هماهنگی میان نهاد ها در سطح ولسوالی، ولایت و مرکز میباشد، توسط نهاد های ذیربط بدون تأخیر تطبیق گردیده و از طرف تمویل کننده گان و ملل متحد حمایت شوند. این پروژه ها شامل کاوش در مورد زیست پذیری سیستم اداره قضایا میباشد که فعلاً از طرف برنامه حمایت سکتور قضایی وزارت خارجه امریکا و برنامه حمایت از سکتور اصلاح طور امتحانی براه انداخته شده است.
- وزارت داخله و وزارت عدلیه با حمایت مالی و مشورتی بین المللی تشویق میگرددند تا کار براه انداختن یک میکانیزم ردیابی بین الحوزوی را آغاز نمایند.

سفارش ۵

- وزارت عدلیه وزارت داخله، لوی څارنوالی و ستره محکمه با همکاری کمیسیون مستقل حقوق بشر و همکاران دیگر مانند (UNDP) و (JSSP) تشویق میگردند تا از گنجاندن یک کمپاین ملی آگاهی عامه، پیش بنی شده در ستراتیژی ملی سکتور عدلی، که شامل موضوعات مرتبط به حقوق توقیف برای توفیف شده گان و محبوسین فعلی و عامه مردم باشد حمایت نمایند.
- ابزار آگاهی دهی مانند جریده وزارت عدلیه برای زنان توقیف شده در مورد حقوق شان، که توسط (CDONU) و (MEFINU) حمایت شده اند باید قویاً حمایت و انکشاف داده شوند. مراکز پولیس، مراکز سلب آزادی و دفاتر څارنوالی باید در جستجوی همچو مواد معلوماتی مطالعوی و بصری باشند.

سفارش ۶

قویاً سفارش میگردد که بخش مساعدت های حقوقی وزارت عدلیه یک سیستم ملی مساعدت حقوقی پیش بینی شده در ستراتیژی ملی سکتور عدلی و برنامه ملی عدلی را انکشاف دهد.

- دستیاران وکیل مدافع: سیستم دستیار وکیل مدافع در افغانستان باید در اولویت کاری بخش مساعدت های حقوقی وزارت عدلیه، انجمن مستقل حقوق دانان و تمویل کننده گان بخش عدلی قرار داشته باشد. مسایل ذیل قویاً ترغیب میگردد:

○ لوايح جديد جهت ايجاد سیستم دستیار وکیل مدافع در سیستم حقوقی افغانستان اعم از لحاظ سیاسی و مالی توسط دولت افغانستان و تمویل کننده گان باید حمایت گردند.

○ وزارت عدلیه در همکاری با انجمن مستقل، حقوق دانان با حمایت تمویل کننده گان، باید یک برنامه را جهت تسریع آموزش و اعزام دستیاران وکیل مدافع در هر ولایت و در صورت امکان در مراکز ولسوالی را انکشاف دهد. دستیاران وکیل مدافع باید موظف به تهیه مشوره به توقیف شده گان و فامیل های شان در مورد حقوق شان و طرزالعمل های جنایی گردند. (بر اساس قانون وکالت تنها وکیل مدافع ثبت شده و خویشاوند میتواند از یک توقیف شده نمایندگی کند). مناطق که تحت پوشش نهاد های مساعدت حقوقی نیستند باید در الویت قرار گیرند.

- ازدیاد وکلای مدافع و مساعدت های حقوقی: تلاش ها جهت ازدیاد تعداد وکلای مدافع باید در اولویت قرار گیرند.

○ بخش مساعدت های حقوقی وزارت عدلیه باید برنامه های تشویقی را برای کسانی که علاقه دارند وکیل مدافع شوند (خصوصاً در مناطق دور دست) طرح نماید. تمویل کننده گان باید ازین برنامه ها حمایت نمایند.

سفارش ۷

- پارلمان و وزارت مالیه تشویق میگردند تا بمجرد ردیافت کمک ها به صورت عاجل آنرا تخصیص داده و توزیع نمایند.

- دولت افغانستان و قضا جهت آغاز موفقانه مبارزه با توقیف خود سرانه و کاستن ازدحام مراکز سلب آزادی عرصه های

ذیل نیاز به کمک مالی دارند:

- معاشات و امتیازات جهت احراز تعداد بسنده قضات،
- خازنوالان، پولیس، مسئولین مراکز سلب آزادی و مدیران محکمه شایسته؛
- آموزش و ارتقا ظرفیت کارمندان مذکور،
- کمپاین ملی آگاهی عامه،
- براه انداختن میکانیزم های لازم نظارت.

محابس و در سطح ولسوالی و ولایت کمیته نظارت از اداره مراکز سلب آزادی وزارت عدلیه را که در قانون محابس و مراکز سلب آزادی تشکیل شده اند، تشریح نماید. به صورت مشخص این موضوع باید تشریح شود که آیا این میکانیزم میتواند توقیف های غیرقانونی را شناسایی و یا افرادی را که به شکل غیر قانونی توقیف شده اند رها نماید یا خیر.

- تا زمانیکه موضوعات فوق توضیح و یک میکانیزم دایمی نظارت داخلی سازمانی تاسیس میگردد،

○ ستره محکمه جداً تشویق میگردد به محاکم ولسوالی ها و ولایات هدایت دهد تا در ظرف یک ماه تمام قضایای را شناسایی نماید که بالای آنها اضافه تر از محدوده زمانی قانونی سپری شده است، و نیز راپور های بعدی خویش را به شکل ربع وار تقدیم نمایند. همچنان تشویق میشود تا ستره محکمه به محاکم ذیربط به شمول ستره محکمه توصیه نماید تا به همچو قضایا و قضایای شناسایی شده در راپور های جمع آوری شده از ولایات را به اساس اولویت رسیده گی نمایند. و نیز پیشنهاد میشود تا ستره محکمه یک لست مکمل تمام قضایا را به اساس اولویت ترتیب نماید.

○ وزارت عدلیه، لوی خازنوالی و وزارت داخله تشویق میگردد تا به صورت فوری و مشترک در هر ولایت به مراکز سلب آزادی، خازنوالان و پولیس هدایت دهد تا راپور مفصلی را در مورد وضعیت همه توقیف شده گان و محبوسین که در مراکز سلب آزادی وزارت داخله و وزارت عدلیه در ولایات شان نگهداری میشوند، در ظرف یک ماه ترتیب کرده و برای حل آن اقدامات لازم اتخاذ نمایند.

○ پیشنهاد میشود تا ستره محکمه تا میکانیزم های نظارت داخلی ارگان های مربوطه خود را که طرح شده اند ارزیابی نموده و موثریت آنها در رابطه به شناسایی، حل و جلوگیری از توقیف خود سرانه را الی اخیر ماه می سال ۲۰۰۹ بررسی کرده و به اساس این ارزیابی ها الی اخیر ماه جولای سال ۲۰۰۹ یک پلانی را جهت تقویت بخشیدن این میکانیزم ها طرح نماید. به ویژه پیشنهاد میشود تا ظرفیت نظارت ستره محکمه مورد بررسی قرار داده شوند.

○ طوریکه در ستراتیژی ملی سکتور قضایی تقاضا شده است، پیشنهاد میشود تا قواعد اخلاقی و معیار های مسلکی در دستگاه عدلی و قضایی طرح و تطبیق گردند.

سفارش ۸

- وزارت داخله، وزارت عدلیه، لوی خازنوالی و ستره محکمه تشویق میشوند مسئولین در تمام سطوح و هر فرد دیگری را که در رعایت حقوق، معیاد قانونی و دیگر دساتیر و معیار های قانونی توقیف شده گان کوتاهی میکنند به صورت سریع و مناسب تأدیب نمایند. چنین تأدیب ها در صورت نقض احکام جزایی شامل پی گرد عدلی میگردند.
- همچنان یک میکانیزم سری که خازنوالان، قضات، وکلای مدافع، خویشاوندان توقیف شده گان و افراد دیگر را توانمند به راپوردهی مطمئن از قضایای ممکن توقیف های غیرقانونی تاسیس شود تا اتهامات به صورت مناسب تحقیق گردند.

سفارشات به قضا افغانستان

سفارش ۱

- ستره محکمه تشویق میگردد تا مشوره های لازم را به ریاست تقنین وزارت عدلیه ارائه نماید تا این ریاست بتواند به صورت فوری کار بازنگری چهارچوب حقوقی به شمول قانون جزا را آغاز نموده و به تجدید نظر مسوده قانون اجراءات جزایی ادامه دهد تا به تعدیلات پیشنهاد شده در سفارش شماره ۱ در اولویت قرار گیرد.

سفارش ۲

- ستره محکمه و کابینه تشویق میگردند تا میکانیزم های نظارت بین سازمانی را که به قضایای توقیف های غیرقانونی طولی المدتی که در سطح ولسوالی یا ولایت حل شده نمیتوانند رسیدگی کنند، طرح نمایند. قبل از طرح این میکانیزم،
- ستره محکمه در مشاورت با کابینه تشویق میگردد تا دستور، محدوده و صلاحیت های کاری شورای عالی

سفارش ۳

رأپوردهی مطمئن از قضایای ممکن توقیف های غیرقانونی تاسیس شود تا اتهامات به صورت مناسب تحقیق گردند.

سفارشات به پارلمان افغانستان

سفارش ۱

- پارلمان تشویق میگردد تا بازنگری ساختار قانون جزا را در اجندای خود قرار داده و تعدیلات پیشنهاد شده در سفارش شماره ۱ را تصویب نماید.

سفارش ۲

- پارلمان و وزارت مالیه تشویق میگردد تا بمجرد دریافت کمک ها به صورت عاجل آنرا تخصیص داده و توزیع نمایند.

دولت افغانستان و قضا جهت آغاز موفقانه مبارزه با توقیف خود سرانه و کاستن ازدحام مراکز سلب آزادی در عرصه های ذیل نیاز به کمک مالی دارند:

- معاشات و امتیازات جهت احراز تعداد بسنده قضات،
- خازنوالان، پولیس، مسؤولین مراکز سلب آزادی و مدیران محکمه شایسته؛
- آموزش و ارتقا ظرفیت کارمندان مذکور،
- کمپاین ملی آگاهی عامه،
- براه انداختن میکانیزم های لازم نظارت.

سفارشات به جامعه بین المللی

سفارش ۱

- جامعه بین المللی تشویق میگردد تا بازنگری ساختار قانون جزا توسط ریاست تقنین وزارت عدلیه و پارلمان را که در سفارش شماره ۱ خلاصه شده است حمایت و پشتیبانی نماید.

سفارش ۲

- تمویل کنندگان بین المللی و برنامه های حمایت از سکتور

- پیشنهاد میشود تا ستره محکمه، وزارت داخله، ریاست محابس و مراکز سلب آزادی وزارت عدلیه و لوی خازنوالی به موافقه هم طرزالعملی را بمنظور هماهنگی مسایل مربوط به توقیف در سطح ولسوالی ها، ولایات و مرکز به هر زودی که ممکن است طرح نمایند. این طرزالعمل باید شامل قواعد و مقررات در مورد مسائل ذیل باشد: انتقال دوسیه ها در بین نهاد ها، اتخاذ اقدامات لازم در صورتیکه دوسیه ناقص و یا ناپدید باشد، طرزالعمل ها برای فعالیت های تعقیبی زمانیکه معیاد توقیف در حال نقض شدن باشد.

- تشویق میگردد تا ستره محکمه پروژه های شامل در برنامه ملی قضایی را که هدف آن انکشاف سیستم های اداره معلومات و هماهنگی میان نهاد ها در سطح ولسوالی، ولایت و مرکز میباشد، حمایت نموده و خود را مطمئن سازد تا این پروژه ها بدون تأخیر تطبیق گردند. این پروژه ها شامل کاوش در مورد زیست پذیری سیستم اداره قضایا میباشد که فعلا از طرف برنامه حمایت سکتور قضایی وزارت خارجه امریکا و برنامه حمایت از سکتور اصلاح طور امتحانی براه انداخته شده است.

سفارش ۵

- وزارت عدلیه، وزارت داخله، لوی خازنوالی و ستره محکمه در همکاری با کمیسیون مستقل حقوق بشر و همکاران دیگر مانند (UNDP) و (JSSP) تشویق به حمایت از یک کمپاین ملی آگاهی عامه، پیش بنی شده در ستراتیژی ملی سکتور عدلی، شامل یک کمپاین موضوعات مرتبط به حقوق توقیف برای توفیف شده گان و محبوسین فعلی و عامه مردم باشد، میگردد.

سفارش ۸

- وزارت داخله، وزارت عدلیه، لوی خازنوالی و ستره محکمه تشویق میشوند مسؤولین در تمام سطوح و هر فرد دیگری را که در رعایت حقوق، معیاد قانونی و دیگر دساتیر و معیار های قانونی توقیف شده گان کوتاهی میکنند به صورت سریع و مناسب تأدیب نمایند. چنین تأدیب ها در صورت نقض احکام جزایی شامل پی گرد عدلی میگردد. همچنان یک میکانیزم سری که خازنوالان، قضات، وکلای مدافع، خویشاوندان توقیف شده گان و افراد دیگر را توانمند به

- نقش و نحوه کار وکیل مدافع؛
- حفاظت از حقوق زنان طور مساویانه در برابر قانون و مکلفیت های مقامات برای حفاظت از این حقوق و نقش واحد های رسیدگی به مسایل فامیلی وزارت داخله و وزارت امور زنان در سطح محلی؛
- نحوه فعالیت و محتویات حقوق اجرایی در رابطه به توقیف؛
- روش های بدیل توقیف برای تحقیق و بازجویی؛
- تعریف توقیف خودسرانه و راه حل های موجود؛
- طرز العمل ها عملیات معیاری برای هماهنگی و تطبیق قوانین؛ و
- میکانیزم های نظارت داخلی.

- این اجزای عملی حقوق بشر ضرورت دارند تا در معیار و آموزش عالی پولیس، خانونالان، قضات و کارمندان مراکز سلب آزادی دایمی تر باشند.
- برنامه های حمایت از قانون گذاری تشویق به کار با برنامه حمایت از سکتور عدلی جهت تهیه آموزش برای قانون گذاران و کارمندان شان که در کمیته های ذیربط اعم از مشرانو جرگه و ولسی جرگه حضور می یابند. برنامه آموزش این موضوعات را تحت پوشش قرار دهد ولی تعدیل گردد تا مقتضیات قانون گذاری و مسوولیت های نظارتی پارلمان را مشمول گردد.

سفارش ۵

- تمویل کنندگان بین المللی و همکاران دیگر مانند (UNDP) و (JSSP) تشویق میگردند تا تا کمپاین ملی آگاهی عامه، پیش بنی شده در ستراتیژی ملی سکتور عدلی، شامل یک کمپاین موضوعات مرتبط به حقوق توقیف برای توفیف شده گان و محبوسین فعلی و عامه مردم میباشد، را از لحاظ مالی و مشورتی حمایت نمایند.
- ابزار آگاهی دهی مانند جریده وزارت عدلیه برای زنان توقیف شده در مورد حقوق شان، که توسط (UNODC) و (UNIFEM) حمایت شده اند باید قویاً حمایت و انکشاف داده شوند. مراکز پولیس، مراکز سلب آزادی و دفاتر خانونوالی باید در جستجوی همچو مواد معلوماتی مطالعوی و بصری باشند.

قضایی، اصلاح و تأدیب و پولیس تشویق میگردند تا براه انداختن میکانیزم های نظارت بین سازمانی بمنظور رسیدگی به توقیف های غیرقانونی را از طریق مشوره های تخنیکی و پشتیبانی مالی لازم حمایت نمایند.

- تمویل کنندگان بین المللی و برنامه های حمایت از سکتور قضایی، اصلاح و تأدیب و پولیس تشویق میگردند تا تقویت بخشیدن میکانیزم های نظارت بین سازمانی بمنظور برخورد با توقیف های غیرقانونی را حمایت نمایند.

سفارش ۳

- تمویل کنندگان بین المللی همرا با ملل متحد و برنامه های حمایت از سکتور قضایی و اصلاح و تأدیب تشویق میگردند تا با دولت افغانستان در تطبیق هر چه زود تر پروژه های شامل در برنامه ملی عدلی بمنظور رشد سیستم اداره معلومات و هماهنگی بهتر نهاد ها در سطح ولسوالی ها، ولایات و مرکز با دولت افغانستان کار نموده و آنرا تمویل کنند. این پروژه ها شامل کاوش در مورد زیست پذیری سیستم اداره قضایا میباشد که فعلاً از طرف برنامه حمایت سکتور قضایی وزارت خارجه امریکا و برنامه حمایت از سکتور اصلاح طور امتحانی براه انداخته شده است.
- تمویل کنندگان بین المللی و حمایت های مشورتی تشویق میگردند تا کار توسعه و انکشاف میکانیزم ردیابی بین الحوزوی را آغاز نمایند.

سفارش ۴

- پیشنهاد میشود تا برنامه های آموزشی ارتقای ظرفیت پولیس، خانونالان و قضا که توسط شرکای بین المللی مانند برنامه حمایت سکتور قضایی (JSSP)، برنامه حمایت از سکتور محابس (CSSP)، دفتر مبارزه با مواد مخدر و جرایم ملل متحد (UNODC)، پولیس جامعه اروپا (EUPOL) و سازمان های افغانی مانند کمیسیون مستقل حقوق بشری افغانستان و یا نهاد های دولتی دایر میگردند باید افزایش داده شوند تا باشد که مسوولین مفهوم بهتر از مسایل ذیل را کسب نمایند.

- مفاهیم عدالت که اساس سیستم رسمی عدالت را تشکیل میدهند و سازگاری آنها با مسایل مطرح در سیستم غیر رسمی عدالت؛
- نقش و نحوه کار توقیف و حقوقی که آنها مکلف به احترام و حفاظت از آن هستند؛

سفارش ۶

قویاً سفارش می‌گردد که بخش مساعدت های حقوقی وزارت عدلیه یک سیستم ملی مساعدت حقوقی پیش بینی شده در ستراتیژی ملی سکتور عدلی و برنامه ملی عدلی را انکشاف دهد.

• دستیاران وکیل مدافع: سیستم دستیار وکیل مدافع در افغانستان باید در اولویت کاری بخش مساعدت های حقوقی وزارت عدلیه، انجمن مستقل حقوق دانان و تمویل کننده گان بخش عدلی قرار داشته باشد. مسایل ذیل قویاً ترغیب می‌گردد:

○ لوايح جديد جهت ایجاد سیستم دستیار وکیل مدافع در سیستم حقوقی افغانستان اعم از لحاظ سیاسی و مالی توسط تمویل کنندگان و دولت افغانستان باید حمایت گردند.

○ تمویل کنندگان و برنامه های حمایت از سکتور قضایی و مساعدت های حقوقی باید وزارت عدلیه و انجمن مستقل حقوق دانان را در قسمت طرح یک برنامه جهت تسریع آموزش و اعزام دستیاران وکیل مدافع در هر ولایت و در صورت امکان در مراکز ولسوالی حمایت نمایند. دستیاران وکیل مدافع باید موظف به تهیه مشوره به توقیف شده گان و فامیل های شان در مورد حقوق شان و طرزالعمل های جنایی گردند. (بر اساس قانون وکالت تنها وکیل مدافع ثبت شده و خویشاوند میتواند از یک توقیف شده نمایندگی کند). مناطق که تحت پوشش نهاد های مساعدت حقوقی نیستند باید در اولویت قرار گیرند.

• ازدیاد وکلای مدافع و مساعدت های حقوقی: تلاش ها جهت ازدیاد تعداد وکلای مدافع باید در اولویت قرار گیرند.

○ تمویل کنندگان و برنامه های حمایت از سکتور قضایی باید انجمن مستقل حقوق دانان را تشویق نمایند تا نیازمندی های انجمن را که حقوق دانان ثبت شده حد اقل دو قضیه مساعدت حقوقی را در یک سال پی گیری نمایند به صورت جدی تطبیق نماید.

○ تمویل کنندگان تشویق می‌گردند تا بخش مساعدت های حقوقی وزارت عدلیه را در طرح و تطبیق برنامه های تشویقی برای کسانی که علاقه دارند وکیل مدافع شوند حمایت و پشتیبانی نمایند. تمویل کننده گان باید ازین برنامه ها حمایت نمایند، مخصوصاً در مناطق دور دست توسط بخش مساعدت های حقوقی وزارت عدلیه.

سفارش ۷

• تمویل کننده گان جداً تشویق به مهیا نمودن هر چه سریع تر کمک های وعده شده تحت ستراتیژی ملی سکتور عدلی و برنامه ملی عدلی برای ابتکارات مربوط به توقیف، میشوند.

• دولت افغانستان و قضا جهت آغاز موفقانه مبارزه با توقیف خود سرانه و کاستن ازدحام مراکز سلب آزادی عرصه های ذیل نیاز به کمک مالی دارند:

- معاشات و امتیازات جهت احراز تعداد بسنده قضات، خارنوالان، پولیس، مسؤولین مراکز سلب آزادی و مدیران محکمه شایسته؛
- آموزش و ارتقا ظرفیت کارمندان مذکور،
- کمپاین ملی آگاهی عامه،
- براه انداختن میکانیزم های لازم نظارت.

سفارشات به همکاران افغان

سفارش ۴

• فاکولته حقوق قویاً تشویق به گنجاندن این موضوع در تعلیمات حقوقی می‌گردد. همچنان فاکولته حقوق تشویق به گنجاندن تعلیمات و آموزش توقیف و حقوق توقیف شده گان میشود.

سفارش ۵

• دستیاران وکیل مدافع: سیستم پارالیگل در افغانستان باید در اولویت کاری بخش مساعدت های حقوقی وزارت عدلیه، انجمن مستقل حقوق دانان و تمویل کننده گان بخش عدلی قرار داشته باشد. مسایل ذیل قویاً ترغیب می‌گردد:

○ انجمن مستقل حقوق دانان با حمایت تمویل کنندگان تشویق می‌گردد تا در قسمت طرح یک برنامه جهت تسریع آموزش و اعزام دستیاران وکیل مدافع در هر ولایت و در صورت امکان در مراکز ولسوالی کار نماید. دستیاران وکیل مدافع باید موظف به تهیه مشوره به توقیف شده گان و فامیل های شان در مورد حقوق شان و طرزالعمل های جنایی گردند. (بر اساس قانون وکالت دفاع تنها وکیل مدافع ثبت شده و خویشاوند

حقوقی را در یک سال پی گیری نمایند به صورت جدی تطبیق نمایند.

میتواند از یک توقیف شده نمایندگی کند). مناطق که تحت پوشش نهاد های مساعدت حقوقی نیستند باید در الویت قرار گیرند.

سفارش ۶

- سفارش میشود تا کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و همکاران دیگر، گنجاندن یک کمپاین ملی آگاهی عامه، پیش بنی شده در ستراتیژی ملی سکتور عدلی، شامل یک کمپاین موضوعات مرتبط به حقوق توقیف برای توقیف شده گان و محبوسین فعلی و عامه مردم میباشد، را حمایت نمایند

- ازدیاد وکلای مدافع و مساعدت های حقوقی: تلاش ها جهت ازدیاد تعداد وکلای مدافع باید در اولویت قرار گیرند.

O انجمن مستقل حقوق دانان باید نیازمندی های انجمن را که حقوق دانان ثبت شده حد اقل دو قضیه مساعدت

ضمیمه ۲: واژه نامه

| | |
|--|------------|
| لوی څارنوالی | AGO |
| کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان | AIHRC |
| استراتژی ملی انکشافی افغانستان | ANDS |
| پولیس ملی افغانستان | ANP |
| پروگرام حمایت از بخش مراکز اصلاح و تأدیب | CSSP |
| دولت افغانستان | GoA |
| کمیسیون حقوق بشر ملل متحد | HRC (UN) |
| میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی | ICCPR |
| قانون اجراءات جزائی مؤقت | ICPC |
| کمیته بین المللی صلیب سرخ | ICRC |
| نیروهای بین المللی | IMF |
| پروگرام دولت امریکا برای حمایت از سکتور عدلی و قضایی | JSSP |
| پروژه یوناما برای نظارت از جلسات قضایی محاکم | LSOP |
| وزارت امور داخله | MoI |
| وزارت عدلیه | MoJ |
| وزارت امور زنان | MoWA |
| ریاست امنیت ملی | NDS |
| برنامه ملی عدالت | NP |
| استراتژی ملی عدلی و قضایی | NJSS |
| دفتر کمیساری عالی حقوق بشر ملل متحد | OHCHR (UN) |
| اعلامیه جهانی حقوق بشر | UDHR |
| هیأت معاونت ملل متحد برای افغانستان | UNAMA |
| صندوق ملل متحد برای اطفال | UNICEF |
| دفتر ملل متحد برای کنترل جرایم و مواد مخدر | UNODC |

یادداشت ها

۱. به صفحه حقایق شمار ۲۶ OHCHR مراجعه نمایید: گروپ گاری توقیف های خود سرانه، موجود در سایت ذیل:
<http://www.unhcr.ch/html/menu6/2/fs26.htm>
۲. مفاد ۲۴، ۲۷ (بند ۲ و ۳)، قانون اساسی افغانستان.
۳. مراجعه نمایید: مارتین سکونیش، "میزان و عواقب توقیف های قبل از محاکمه در سطح جهان"، ابتکارات عدالت: توقیف های قبل از محاکمه، ابتکارات عدالت جامعه باز، ۲۰۰۸، صفحات ۱۱ - ۴۳، مباحثه در مورد تأثیرات اجتماعی - اقتصادی و صحتی توقیف.
۴. مراجعه نمایید: "ستراتیژی ملی سکتور عدلی"، ستراتیژی ملی انکشافی افغانستان، عدالت و حاکمیت قانون، ۱۳۸۷ - ۱۳۹۱ (۲۰۱۲/۱۳ - ۲۰۰۷/۰۸)، جلد دوم، ستون ۲، حکومتداری سالم، ستراتیژی ملی انکشافی افغانستان، ۲۰۰۸، صفحه ۲۱ و معیار های حقوق بشر، موافقتنامه افغانستان، ۲۰۰۶.
۵. معیار های حقوق بشر، ضمیمه ۱: معیار ها و میعادها، موافقتنامه افغانستان، ۱ فبروری ۲۰۰۶، صفحه ۸.
۶. فیصله نامه شورای امنیت ملل متحد ۱۶۶۲ (۲۰۰۶)، ۱۷۴۶ (۲۰۰۷)، ۱۸۰۶ (۲۰۰۸).
۷. شماره ۵ در فوق.
۸. مرحله قبل از محکمه شامل مراحل تحقیق، احضار و محاکمه است که درین جریان توقیف شده باید براءت الذمه فرض شود. (به اساس قانون افغانستان، توقیف های قبل از محکمه بنام توقیف های موقت/مشروط یاد میشوند. ماده ۶ قانون اجراءات جزایی موقت). مرحله بعد از محکومیت مرحله است که توقیف شده به اساس یک محکمه عادلانه گناه کار شناخته شده و به اساس یک حکم محکمه توقیف یا حبس میشود. (به صورت عموم، این مرحله بنام حبس یاد میشود تا اینکه توقیف، و توقیف شدگان بنام محبوسین نامیده میشوند).
۹. برای مباحثه در مورد توقیف های ریاست امنیت ملی و نیرو های نظامی بین المللی به منبع ذیل مراجعه نمایید، "افغانستان: توقیف شدگان برای شکنجه انتقال یافتند: پیچیدگی آیساف؟" نومبر ۲۰۰۷،
<http://www.amnesty.org/en/library/asset/ASA11/011/2007/en/dom-ASA110112007en.pdf>
- و در مورد توقیف های مربوط به نیرو های نظامی بین المللی در مراکز سلب آزادی در افغانستان به منبع ذیل مراجعه نمایید: نخست حقوق بشر، "عدالت غیرقانونی: محاکمات توقیف شدگان بگرام و گوانتانامو در افغانستان"، اپریل ۲۰۰۸،
<http://www.humanrightsfirst.info/pdf/USLS-080409-arbitrary-justice-report.pdf>
۱۰. پژوهش به غرض پیگیری و تکرار وقوع توقیف های خودسرانه یا غیرقانونی صورت نگرفت.
۱۱. مرحله اول، از جمله ۳۴ ولایت فقط ۳۰ را به دلیل نگرانیهای امنیتی تحت پوشش قرار داد (به استثنای ولایات نورستان، ارزگان، زابل، و پکتیکا).
۱۲. همه کارمندان ذیدخل راجع به معیارها و طرزالعمل های حقوقی داخلی، و معیارهای بین المللی ذیربط، و در مورد پرسشنامه هایی که برای حصول معلومات طی نظارت ها مورد استفاده قرار میگیرد، آموزش حاصل نمودند.
۱۳. اطلاع شماره ۴۵۸/۱۹۹۱، ای. دبلیو. موکونگ در مقابل کامیرون (نظریات ثبت شده در ۲۱ جولای ۱۹۹۴)، سند رسمی ملل متحد. GOAR، A/۴۹/۴۰ (جلد II)، صفحه ۱۸۱، پاراگراف ۹۸، اضافه تأکید.
۱۴. به صفحه حقایق شمار ۲۶ OHCHR مراجعه نمایید: گروپ گاری توقیف های خود سرانه، موجود در سایت ذیل:
<http://www.unhcr.ch/html/menu6/2/fs26.htm>
۱۵. ماده ۹ کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی بیان میکند:
۱. هر کسی حق آزادی و امنیت شخصی دارد. هیچ کس را نمیتوان خودسرانه دست گیر یا توقیف نمود. از هیچ کس نمیتوان سلب آزادی کرد مگر به جهات و طبق آیین داد رسی مقرر به حکم قانون.
۲. هر کس که دستگیر میشود باید در موقع دستگیر شدن از علل آن مطلع شود و در اسرع وقت اطلاعیه راجع به هرگونه اتهامی که به او نسبت داده میشود دریافت دارد.
۳. هر کس به اتهامی جرمی دستگیر یا توقیف میشود باید او را در اسرع وقت در محضر داد رسی یا هر مقامی دیگری که به موجب قانون مجاز به اعمال و اختیارات قضایی باشد حاضر نموده و باید در مدت معقولی داد رسی یا آزاد شود. قانون نباید طوری باشد که اشخاصی که در انتظار محکمه خویش هستند در توقیف به سر برنزد لیکن رهایی شان باید مشروط به ضمانت به احضار شدن شان به محکمه، مراحل قضایی و مراحل دیگری که برای اجراءات قضایی ضرور است، باشد.
۴. هر کس که به اثر دستگیری از آزادی محروم میشود حق دارد که به داد گاه عرض نماید به این منظور که داد گاه بدون تاخیر راجع به قانونی بودن دستگیری اظهار رأی کند و در صورت غیر قانونی بودن توقیف حکم آزادی او را صادر کند.
۵. هر کس که به طور غیرقانونی دستگیر یا توقیف شده باشد حق جبران خساره خواهد داشت.
۱۶. کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، منع توقیف خود سرانه، ماده ۹، محافظت های اجرائی ماده ۷، ۹ و ۱۴؛ کنوانسیون حقوق طفل، ماده

- ۳۷ (۲) همچنان فقره های عدم تبعیض در کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان، ماده ۱۵ (۱)؛ و کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض نژادی، ماده ۵. یادداشت این موضوع مهم است که محکمه بین المللی عدالت (ICJ) که در هوستاگیس در مورد قضیه تهران برگزار گردید بیان میدارد که محرومیت غیرقانونی از آزادی نا همساز با معیار های منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر است، قضیه مربوط به کارمندان قونسل و دیپلماتیک ایالات متحده امریکا در تهران (ایالات متحده امریکا در مخالفت با ایران)، راپور ICJ ۱۹۸۰، صفحه ۴۲، پاراگراف ۹۱.
۱۷. بند (۱) و (۳) ماده ۲۴، قانون اساسی افغانستان.
۱۸. بند (۱) ۲۴، قانون اساسی افغانستان.
۱۹. ایضاً. مطابق به ماده ۲۷ (۱) قانون اساسی افغانستان هیچ عمل یا تصرف، تا آن که قانون اعلام شده قبل از ارتکاب آن عمل، آنرا جرم تثبیت ننموده باشد، جرم شناخته نمی شود.
۲۰. بند (۲) ۷۲، قانون اساسی افغانستان.
۲۱. در لابلای این راپور، این قوانین و ضمانت های موجود در قانون اساسی افغانستان به بحث گرفته شده و تحلیل خواهند گردید. به هر حال این قوانین توقیف را تشکیل میدهد ولی نظر به حیطة راپور به بحث گرفته نمیشود. اینها شامل قانون همکاری بین المللی روی مسایل جزایی، قانون مبارزه با مواد مخدر، قانون طب عدلی میشود.
۲۲. جریده رسمی شماره ۳۷۴، ۱۹۷۶.
۲۳. جریده رسمی شماره ۸۲۰، ۲۰۰۳.
۲۴. جریده رسمی شماره ۸۶۲، ۲۰۰۵.
۲۵. جریده رسمی شماره ۲۶، ۱۹۶۵.
۲۶. جریده رسمی شماره ۸۵۱، ۲۰۰۵.
۲۷. جریده رسمی شماره ۸۵۲، ۲۰۰۵.
۲۸. جریده رسمی شماره ۹۳۴، ۲۰۰۷.
۲۹. ماده ۳۲، قانون اساسی افغانستان قرض را از توجیهات حبس مستثناء میداند ولی نه یک تخطی قانون مدنی یا مسؤولیت قراردادی را. در قانون بین المللی، کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی عدم قادر بودن به ایفای وجایب قراردادی را از موجبات و توجیهات توقیف مستثناء میداند.
۳۰. به اساس ماده ۳۲ قانون اساسی افغانستان، حبس یا توقیف بخاطر قرض به صورت واضح منع میباشد.
۳۱. ماده ۲۷ (۱)، قانون اساسی افغانستان، هیچ عمل یا تصرف، تا آن که قانون اعلام شده قبل از ارتکاب آن عمل، آنرا جرم تثبیت ننموده باشد، جرم شناخته نمی شود. قانون همانست که تحت معنی ماده ۹۴ قانون اساسی افغانستان قرار میگردد. ماده ۹ (۱) کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی بر این اصل تأکید میکند.
۳۲. بدون قضاوت در مورد تفسیر ستره محکمه، به نظر میرسد که نقض شرعیت یا روش های عرفی یا اجتماعی که شامل قانون جزا نیستند اساس قانونی برای توقیف باشند. ماده ۲۷ (۱) قانونی اساسی افغانستان الزام میدارد که یک عمل وقتی جرم پنداشته میشود که قبل از ارتکاب آن در توسط یک قانون منع گردیده باشد. قانونی اساسی در ماده ۹۴ قانون را سندی تعریف میکند که توسط هر دو بخش پارلمان تصویب و توسط رئیس جمهور توشیح شده باشد، مگر اینکه قانون اساسی طور دیگر حکم کند. با خواندن ماده ۹۴ و ۲۷ (۱) قانون اساسی الزام میدارد که یک عمل باید در یک قانون گنجانیده شود که توسط شورای ملی و رئیس جمهور توشیح شده باشد تا بالاخره جرم مجسوب گردد و توقیف تحت طرز العمل های جزایی قانونمند باشد. ازینرو نه شرعیت و نه هم روش های عرفی اجتماعی موافق این معیار ها برای گناه های جزایی میباشد.
- بسیاری از خانونالان و قضات موافق نیستند. آنها با ناظرین و تصامیم محاکم استدلال نموده اند که قانون جزای سال ۱۹۷۶ به صورت کامل شرعیت را منعکس نساخته فلذا این خلا باید توسط شرعیت پر گردد. آنها استدلال میکنند که ماده ۱۳۰ قانون اساسی افغانستان به این اجازه میدهد. در صورتیکه خلا موجود باشد، ماده ۱۳۰ کاربرد قفه حنفی (یکی از مکاتب شرعیت) را بخاطر پیاده نمودن بهتر عدالت اجازه میدهد. میتواند استدلال شود که قانون اساسی افغانستان قفه حنفی را به منظور توقیف و تعریف یک جرم و مجازات به عنوان یک قانون دانسته است. ماده ۲۷ (۱)، لکن به نظر میرسد که آنرا منع قرار دهد. فقه حنفی یک قانون مروج نمیشود.
- کابرد ماده ۱۳۰ در مورد توقیف های جزایی نیز با معیار های بین المللی مطابقت ندارد. طور مثال، به اساس قانون بین المللی، قبل از آنکه یک عمل بوقوع بپیوندد باید در قانون داخلی به عنوان یک جرم تعریف شود. (ارتباط شماره ۷۰۲/۱۹۹۶، سی مک لاورنس در مقابل جایمیکا(نظریات ثبت شده در ۱۸ جولای ۱۹۹۷) سند ملل متحد، GOAR، A/۵۲/۴۰ (جلد ۲)، ص ۲۳۰-۲۳۱، پاراگراف ۵.۵، به ماده ۹ (۱) و ۵ (۱) کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز مراجعه نمایید.)

۳۳. UNODC، افغانستان: زنان توقیفی و ادغام مجدد اجتماعی آنها، مارچ ۲۰۰۷.

http://www.unodc.org/pdf/criminal_justice/Afghan_women_prison_web.pdf, page 5.

۳۴. UNODC، "حقایق نامه: بدیل های حبس"، توزیع شده بتاريخ ۱ دسمبر ۲۰۰۸، کنفرانس مطبوعاتی یوناما.

۳۵. به UNODC، شماره ۳۳، صفحه ۲۲ در فوق مراجعه نمایید. معمولاً این قضایا به یک دختر یا زنی ارتباط دارد که از ازدواج های اجباری یا خشونت فامیلی فرار میکنند و یا به یک زوجی ارتباط میگردد که بعد از انکار نمودن از فیصله های والدین شان در مورد ازواج اقدام به فرار میکنند. (به اساس نظارت و کار بالای قضایا در دفاتر ساحوی. همچنان به منبع ذیل مراجعه نمایید، وزارت امور زنان، دیتابیس عمده خشونت علیه زنان، صفحات

- ۲۲-۲۳، این دیتابیس نتایج نظارت های منظم از توقیف های خود سرانه را یکجا میسازد.
۳۶. در شیرغان، طور مثال، یک زن ۱۹ ساله بخاطر فرار از منزل بتاريخ ۲۶ اپریل ۲۰۰۷ توقیف شد که بعد از مداخله کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان رها گردید.
۳۷. UNODC، شماره ۳۳، صفحه ۲۲ در فوق.
۳۸. یک فرمان ریاست جمهوری حکم رهایی یک زن ۲۲ ساله را صادر نمود که بتاريخ ۲۰ اکتوبر ۲۰۰۷ آزاد گردید. محکومیت یک دختر ۱۶ ساله به ۷ ماه کاهش یافت.
۳۹. علاوه بر نظارت، به UNODC، شماره ۳۳، صفحه ۲۱-۲۲ در فوق نیز مراجعه نمایید.
۴۰. او بتاريخ ۲ جون ۲۰۰۷ محکوم شد. او زمانیکه در توقیف بود وضع حمل نمود. او محکوم به ۲ سال حبس شد. کاکای او متهم و محکوم به پرداخت ۱۲۰۰ افغانی جریمه نقدی یا ۲ سال حبس بود. در یک قضیه دیگر، یک دختر ۱۵ ساله از ولسوالی کامه متهم به زنا شده و بتاريخ ۱۵ اپریل ۲۰۰۷ در مرکز سلب آزادی وزارت عدلیه توقیف گردید. پولیس ملی ولسوالی کامه بتاريخ ۱۰ اپریل ۲۰۰۷ راپوری را مبنی براینکه دختر مذکور توسط ۲ اختطاف و بعداً مورد تجاوز جنسی قرار گرفته بود، دریافت نمود. بعد از راجعت دادن قضیه به محکمه ابتدائیه ولسوالی کامه، تجاوز کنندگان مظنون دستگیر شدند. بتاريخ ۱۶ می ۲۰۰۷ تجاوز کنندگان به ضمانت رها گردیده و بعداً اتهامات وارده علیه آنها پس گرفته شد. دختر مذکور الی ۱۶ سپتمبر ۲۰۰۷ در توقیف باقی ماند.
۴۱. در ولسوالی اوبه ولایت هرات، یک مرد ۶۵ ساله به اتهام توهین به مقدسات توقیف گردید. در واقعیت این یک قضیه منازعه بالای زمین بود که بین شخص توقیف شده و یک ملا که بالای او ادعا نموده بود جریان داشت.
۴۲. در ولسوالی رودات ولایت ننگرهار یک خبرنگار در حالی توسط پولیس توقیف گردید که خبر تظاهراتی را که به کشت خشخاش ارتباط داشت پخش نمود.
۴۳. قانون افغانستان توقیف اقارب یا وابسته گان یک متهم یا مظنون را بخاطری جرمی که وی مرتکب شده است (ماده ۲۶، قانون اساسی افغانستان) یا فشار بالای متهم یا مظنون بمنظور تسلیم شدن یا اعتراف (ماده ۲۶-۲۷ قانون اساسی افغانستان) را منع قرار میدهد. کمیته حقوق بشر نیز چنین توقیف ها را غیرقانونی دریافت نمود.
- اطلاع شماره ۱۶/۱۹۷۷، دی. مونگویا بیجی در مقابل زایر (نظریات ثبت شده در ۲۵ مارچ ۱۹۸۳)، سند رسمی ملل متحد. GOAR، ۴۰/۳۸، صفحه ۱۴۰، پاراگراف ۲۰-۲۱.
۴۴. زمانیکه متهم در ادای مسؤولیت های خود کوتاهی نموده است، ضمانت دهنده نیز محبوس گردیده است. چنین قضیه بعد از آنکه یک متهم نتوانست مبلغ ۳ میلیون افغانی را که از یک بانک سرقت و بعداً از ساحه فرار نموده بود دوباره بپردازد در سال ۲۰۰۷ در حصه ۱ کوهستان ولایت کاپیسا رخ داد.
۴۵. هر چهار شان به اساس حکم مورخ ۳۰ نومبر ۲۰۰۶ خازنوال توقیف شده و بتاريخ ۱۷ جنوری ۲۰۰۷ یوناما در مرکز سلب آزادی با آنها مصاحبه نمود.
۴۶. به اساس راپورهای دریافت شده، مرد مظنون به طراحی یا دخالت در جرم قتل نبود.
۴۷. طور مثال در جولای ۲۰۰۸ ریاست ملی امنیت یک خبرنگاری را که در گزارش وی از حکومت کرزی انتقاد شده بود، دستگیر و توقیف نمود. بعداً خبرنگار مذکور بخاطریکه زندگی او به خطر مواجه گردید درخواست پناهندگی در خارج از کشور را نمود. همچنان در جولای ۲۰۰۸ ریاست ملی امنیت یک خبرنگار دیگری را که قتل بدون محاکمه دو زن را که ادعا میشد توسط طالبان صورت گرفته تحت پوشش قرار داده بود، در ولایت غزنی توقیف نمود. خبرنگار مذکور بعد از مداخله بزرگان محلی و یوناما آزاد گردید. یک خبرنگار در ولایت بغلان در سال ۲۰۰۷ یک مرتبه توقیف و بعداً در سال ۲۰۰۸ بخاطر نوشتن یک مقاله که در آن از حکومت کرزی انتقاد نموده بود، دوباره توقیف گردید. در مثال اول ادعا میشود که خبرنگار بعد از غدر خواهی از یک وزیری که نام وی در مقاله ذکر شده بود، آزاد گردید. در مثال دوم محکمه استیناف اتهام محکمه ابتدایی را به اساس ماده ۷ قانون امنیت داخلی و خارجی لغو نمود. قضیه سید پرویز کام بخش، یک محصل ژورنالیزم از مزارشریف متهم به توهین به مقدسات، ممکن است به تلاش های مبنی بر انکار از آزادی بیان شخص پرویز و احتمالاً حق دیگران ارتباط داشته باشد. پیچیده گی اوضاع سیاسی و مذهبی این قضیه فهمیدن اینرا دشوار میسازد که آیا یک قصد سابقه است یا جدید.
۴۸. بند (۲) ماده ۹ و بند (۳-الف) ماده ۱۴، کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی.
۴۹. بند (۳) ماده ۹، کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی.
۵۰. بند (۴) ماده ۹، کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی.
۵۱. مفاد ۷، ۱۰ (بند ۱)، ۱۴ (بند ۳-ج)، کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و همچنان کنوانسیون منع شکنجه.
۵۲. ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر؛ ماده ۹ (بند های ۳ و ۴) و ماده ۱۴ (بند ۳-ب و د)، کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی. بر علاوه اسناد بین المللی رهنمود های بیشتری را فراهم میسازند، به شمول اصل ۱۱(۱)، اصول محافظت افراد تحت هر نوع توقیف، ۱۹۸۸.
۵۳. مفاد ۹ (بند ۳) و ۱۴ (بند ۳-ج)، کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی.
۵۴. مفاد ۲۴ و ۲۷ (بند ۳)، قانون اساسی افغانستان و مفاد ۹ و ۱۴، کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی.
۵۵. ماده ۲۲، قانون اساسی افغانستان و ماده ۱۴(۱) و ۲۶ کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی؛ ماده ۵(الف)، کنوانسیون منع تبعیض نژادی و

- اطلاع شماره ۶۹۴/۱۹۹۶، والدمن در مقابل کانادا (نظریات ثبت شده در ۳ نومبر ۱۹۹۹)، سند رسمی ملل متحد. GOAR، A/۵۵/۴۰، صفحه ۹۷-۹۸، پاراگراف ۱۰.
۵۶. ماده ۹ (بند ۳)، کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی.
۵۷. ماده ۳۹، کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، ارزیابی دوره بی: اطلاع شماره ۲۹۱/۱۹۸۸، ام. توریس در مقابل فنلند (نظریات ثبت شده در ۱۲ اپریل ۱۹۹۰)، سند رسمی ملل متحد. GOAR، A/۴۵/۴۰ (جلد ۲)، صفحه ۱۰۰-۱۰۹، پاراگراف ۷.۳.
۵۸. اطلاع شماره ۲۹۱/۱۹۸۸، ام. تریس در مقابل فنلند (نظریات ثبت شده در ۲ اپریل ۱۹۹۰)، سند رسمی ملل متحد. GOAR، A/۴۵/۴۰ (جلد II)، پاراگراف ۷.۳ صفحه ۱۰۰، اطلاع شماره ۳۷۳/۱۹۸۹، ال. ستیفنز در مقابل جاپییکا (نظریات ثبت شده در ۱۸ اکتوبر ۱۹۹۵)، سند رسمی ملل متحد. GOAR، A/۵۱/۴۰ (جلد II)، صفحه ۹، پاراگراف ۹.۷، در میان دیگران.
۵۹. اطلاع شماره ۸۴/۱۹۸۱، جی. دیرمت به نمایندگی از جی. آی. و اچ. اچ. دیرمت باریاتو (نظریات ثبت شده در ۲۱ اکتوبر ۱۹۸۲)، سند رسمی ملل متحد. GOAR، A/۳۸/۴۰، صفحه ۱۳۳، پاراگراف ۱۰.
۶۰. ال. ستیفنز در مقابل جاپییکا، شماره ۵۸ در فوق.
۶۱. مراجعه شود به: اطلاع آر. ۲/۹، دی. سانتولو ولکادو در مقابل یوروگوای (نظریات ثبت شده در ۲۶ اکتوبر ۱۹۷۹)، سند رسمی ملل متحد. GOAR، A/۳۵/۵۰، صفحه ۱۱۰، پاراگراف ۱۲ و اطلاع شماره آر. ۱/۴، دبلیو. تی. رامیریز در مقابل یوروگوای (نظریات ثبت شده در ۲۳ جولای ۱۹۸۰)، صفحه ۱۲۶، پاراگراف ۱۸ در میان دیگران. همچنان باید توجه شود که زمانیکه یک توقیف شده و یا نماینده قانونی نتواند از فرصت های به چالش کشیدن توقیف استفاده کند، اگر از حق توقیف شده انکار شده باشد کمیته حقوق بشر نمیتواند نتیجه گیری نماید. مراجعه نمایید به، ال. ستیفنز در مقابل جاپییکا (نظریات ثبت شده در ۱۸ اکتوبر ۱۹۹۵)، سند رسمی ملل متحد. GOAR، A/۵۱/۴۰، صفحه ۹، پاراگراف ۹.۷.
۶۲. ماده ۳۳-۳۴، قانون اجراءات جزایی موقت. قانون افغانستان به صورت عموم به خازنوال ابتدائی مسؤولیت میدهد تا قانونمندی توقیف (به شمول مد نظر گرفتن معیاد و تطبیق حکم نهایی محکمه) را نظارت و در صورت عدم قانونمندی توقیف امر رهایی را صادر نماید (ماده ۳۶)، (۴)، (۳۴)، (۲)، ۳۶، ۸۴ قانون اجراءات جزایی موقت و ماده ۲۲ و ۵۱ قانون محاسب و مراکز سلب آزادی).
۶۳. اطلاع شماره ۵۲۱/۱۹۹۲، کولومین در مقابل هنگری (نظریات ثبت شده در ۲۲ مارچ ۱۹۹۶)، سند رسمی ملل متحد. GOAR، A/۵۱/۴۰ (جلد ۲)، صفحه ۸۱، پاراگراف ۱۱.۳، و توریس در مقابل فنلند شماره ۵۸ در فوق، پاراگراف ۷.۲.
۶۴. اطلاع شماره ۹۵۹/۲۰۰۰، سایمیون و بازاروف در مقابل ازبکستان (نظریات ثبت شده در ۱۴ جولای ۲۰۰۶)، سند رسمی ملل متحد. CCPR/، para. ۸.۲، (۲۰۰۶)، C/۸۷/D/۹۵۹/۲۰۰۰.
۶۵. اطلاع شماره ۶۲۵/۱۹۹۵، فری متل در مقابل جاپییکا (نظریات ثبت شده در ۲۴ مارچ ۲۰۰۰)، سند رسمی ملل متحد. GOAR، A/۵۵/۴۰ (جلد ۲)، صفحه ۱۹، پاراگراف ۷.۴، و اطلاع شماره ۳۷۳/۱۹۸۹، ستیفنز در مقابل جاپییکا در شماره ۶۱ در فوق، پاراگراف ۹.۶، در بین دیگران.
۶۶. توقیف جزایی الی ۱۵ روز بعد از دستگیری در کنترل قاضی آورده نشده است. حتی بعد ازان هم به محکمه دستور داده نشده است تا قانونمندی توقیف را ارزیابی نماید (ماده ۳۶، قانون اجراءات جزایی موقت).
۶۷. توریس در مقابل فنلند، شماره ۵۸ در فوق، پاراگراف ۷.۴.
۶۸. ماده ۳۳ (در مورد تأیید دستگیری و توقیف)، ماده ۳۶ (در مورد تمدید معیاد احضار) یا ماده ۳۸ (در مورد حضور وکیل مدافع) قانون اجراءات جزایی موقت، هیچکدام به توقیف شده یا وکیل مدافع اجازه نمیدهد تا در جریان این تصمیم گیری ها حاضر بوده و خازنوال را به چالش بکشد. در حقیقت، میتوان استدلال نمود که حذف نمودن یادداشت در مورد این اجراءات در ماده ۳۸ وکیل مدافع را (و به همین منوال توقیف شده را) از به چالش کشیدن قانونمندی دستگیری و توقیف باز میدارد.
۶۹. مفاد ۳۹ (۳) و ۹ (۴) حضور توقیف شده را الزامی میداند. ماده ۳۹ (۳) مشخصاً بیان میکند: "حاضر کردن در مقابل یک قاضی"
۷۰. طور مثال مراجعه نمایید به: اطلاع شماره ۱۳۴۷/۲۰۰۵، دودکو در مقابل آستریا (نظریات ثبت شده در ۲۳ جولای ۲۰۰۷)، سند رسمی CCPR/، C/۹۰/D/۱۳۴۷/۲۰۰۵، ۲۹ آگست ۲۰۰۷، پاراگراف ۷.۴، اطلاع شماره ۸۴/۱۹۸۱، ایچ. جی. دیرمیت به نمایندگی از جی. آی. و ایچ. ایچ. دیرمیت باریاتو (نظریات ثبت شده در ۲۱ اکتوبر ۱۹۸۲)، سند رسمی ملل متحد. GOAR، A/۳۸/۴۰ (جلد ۲)، صفحه ۱۳۳، پاراگراف ۱۰ (ب)، و اطلاع شماره آر. ۷/۲۸، ال. ویسینرگر در مقابل یوروگوای (نظریات ثبت شده در ۲۹ اکتوبر ۱۹۸۰)، سند رسمی ملل متحد. GOAR، A/۳۶/۴۰، صفحه ۱۱۹، پاراگراف ۱۶.
۷۱. ماده ۳۳ (در مورد تأیید دستگیری و توقیف)، ماده ۳۶ (در مورد تمدید معیاد احضار) یا ماده ۳۸ (در مورد حضور وکیل مدافع) قانون اجراءات جزایی موقت، هیچکدام به توقیف شده یا وکیل مدافع اجازه نمیدهد تا در جریان این تصمیم گیری ها حاضر باشد. در حقیقت، میتوان استدلال نمود که حذف نمودن یادداشت در مورد این اجراءات در ماده ۳۸ وکیل مدافع را (و به همین منوال توقیف شده را) باز میدارد.
۷۲. اطلاع شماره ۵۲۶/۱۹۹۳، ام. ایند بی هیل در مقابل هسپانیا (نظریات ثبت شده در ۲ اپریل ۱۹۹۷)، سند رسمی ملل متحد. GOAR، A/۵۲/۵۰ (جلد ۲)، صفحه ۱۷، پاراگراف ۱۲.۳.
۷۳. ماده ۲۴ و ۲۵، قانون اساسی افغانستان.
۷۴. ماده ۳۹، کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی.
۷۵. ماده ۲۴ (۱)، قانون اساسی افغانستان.

۷۶. به مفاد ذیل مراجعه نمایید: ماده ۲۴ قانون اساسی افغانستان، مفاد ۴ و ۳۴ (۲) قانونو اجراءات جزایی موقت و ماده ۹۷ و جدول ضمیمه مربوط به ماده ۹۷ فصل ۸ قانون اجراءات جزایی، ۱۹۶۴ تعدیل شده در سال ۱۹۷۴.
۷۷. اطلاع شماره ۳۰۵/۱۹۸۸، هوکو وان آلپن در مقابل هالند (نظریات ثبت شده در ۱۵ آگست ۱۹۹۰)، سند رسمی ملل متحد. CCPR/C/۳۹/۵.۸.
۷۸. ماده ۴ قانون اجراءات جزایی موقت.
۷۹. برای معلومات بیشتر به منبع ذیل مراجعه نمایید: UNODC، تطبیق راه تبدیل برای حبس، در روشنایی با معیار های بین المللی و قانون ملی، می، ۲۰۰۸.

http://www.unodc.org/documents/justice-and-prison-reform/Afghanistan_Implementing_Alternatives_Imprisonment.pdf

۸۰. ناکامی پولیس در رعایت نمودن اینکه در ظرف ۷۲ ساعت قضیه را به څارنوال رجعت دهد. به صورت عموم این تخطی هاشامل چندین روز تا دو هفته میگردد. این عدم تطابق اغلباً ارتباط میگرفت به عدم موجودیت یا تاخیر څارنوال ولسوالی تا غفلت پولیس. در حقیقت، از جمله مسؤولین توقیف، پولیس توانسته است محدوده های زمانی قانون را به صورت منظم رعایت نماید و در بعضی ساحات، ریفوم پولیس وضع را بهبود بخشیده است. ولی هنوز هم تخطی ها صورت میگیرند. بتاريخ ۱۴ جولای ۲۰۰۸ یوناما دریافت که از جمله ۵۲ مظنونی که در مرکز سلب آزادی ولایت هرات بسر میبردند ۴۰ تن آنها در داخل محدوده زمانی قانونی یعنی ۷۲ ساعت و بعضی دیگر هم تا ۴۰ روز در توقیف بودند. در ولسوالی های کیتی و میرامور ولایت دای کندی، پولیس زمانی افراد مظنون را اضافه تر از ۷۲ ساعت توقیف نمود که بنا بر عدم موجودیت څارنوال ولسوالی بازجویی آنها به وقت معین انجام نشد. در قضایای دیگر، پولیس بدون اینکه څارنوال را از توقیف آگاه سازد توقیف شدگان را برای مدت طولانی در توقیف نگهداشته است. در ولسوالی وارس، پولیس څارنوال را از توقیف مرد مظنون به قتل الی ۱۰ ماه مطلع نساخت، څارنوال بعد از مداخله کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان اطلاع حاصل نمود.
۸۱. څارنوالان به صورت دوامدار در رعایت محدوده زمانی قانونی بازجویی و درج صورت دعوای توقیف شدگان قاصر هستند. څارنوالان بعد از آنکه از توقیف اطلاع حاصل میکنند، باید در ظرف ۴۸ ساعت از توقیف شده بازجویی نمایند (ماده ۳۴ (۱) قانون اجراءات جزایی موقت) اما این معیاد نباید از ۷۲ ساعت تجاوز کند (ماده ۲۱ (۱) قانون اجراءات جزایی موقت). زمانیکه تاریخ های دستگیری و بازجویی در اختیار قرار داده شد، نظارت دریافت که څارنوالان محدوده زمانی را مد نظر نگرفته و بسیاری اوقات توقیف شدگان برای هفته ها و در بعضی موارد برای ماه ها بازجویی نشده اند. معمولاً توجیهی برای این نوع تاخیر ها وجود ندارد. در جریان مرحله اول نظارت، دریافت گردید که از جمله قضایای نظارت شده، محدوده زمانی ۹۷ فیصد (۱۰۳۸) آنها توسط څارنوال نقض شده که میزان تکرار این تخطی ها در بین مردان و زنان یکسان میباشد. همچنان څارنوالان محدوده زمانی ۱۵ روز و ۳۰ روز را که در قانون اجراءات جزایی موقت صراحت دارند، نقض نموده و یا در درج نمودن صورت دعوا (مفاد ۳۶ و ۳۹ قانون اجراءات جزایی موقت) کوتاهی نموده اند. این تخطی ها در یادداشت شماره ۷۲۰ مورخ ۱۷ جولای ۲۰۰۶ شوری عالی ستره محکمه بیان شد.
۸۲. ماده ۳۱ (۱)، قانون اساسی افغانستان به مظنون (خواه توقیف شده باشد یا نه) اجازه میدهد تا در یک معیاد معین شده در قانون در مقابل یک محکمه حاضر شود.
۸۳. ماده ۲۶ (۲)، قانون اجراءات جزایی موقت. طور مثال، یوناما دریافت که اضافه از ۲۰۰ قضیه در ولایات بلخ، سرپل، جوزجان و فاریاب اضافه تر از ۵ ماه منتظر فیصله ستره محکمه بوده، در حالیکه از تاریخ ۲۸ مارچ ۲۰۰۷، در کابل، پروان، لوگر، کاپیسا، پنجشیر و وردک از معیاد قانونی ۳۳۸ قضیه سپری شده است. در جریان مرحله اول نظارت، در ولایات کندز، بغلان، بدخشان و تخار ۴۲ توقیفی اضافه تر از ۵ ماه منتظر فیصله ستره محکمه بودند. در آخر سپتمبر ۲۰۰۷ تعداد قضایای بررسی شده به ۱۸۷ قضیه میرسید (۶۲ کندز، ۱۵ بغلان، ۲۳ بدخشان، ۸۷ تخار). در کابل یک مرد متهم به قتل که در اواخر سال ۲۰۰۶ استیناف خواهی نموده بود تا هنوز منتظر فیصله بود. هیئت تحقیق ستره محکمه در ماه آگست ۲۰۰۷ به غور رفته و ۲۰ قضیه را که در ستره محکمه به تاخیر انداخته شده بود، شناسایی نمود. به قضایای توقیف شدگان رسیدگی شده و رها گردیدند. یک مرد ۳۰ ساله از ولایت غزنی چندان طالعمند نبود. مرد مذکور ۱۰ ماه اضافه تر از معیاد محکومیت خود در انتظار فیصله ستره محکمه در توقیف ماند.
۸۴. ماده ۲۶ (۲)، قانون اجراءات جزایی موقت. در زون شمال شرق شرایط زمانی بدتر شد که معیاد ۸۰ فیصد (از جمله ۴۷ قضیه ۳۸ قضیه) قضایای شناسایی شده سپری گردید. در ماه اپریل ۲۰۰۷ تمام جمعیت مرکز سلب آزادی وزارت عدلیه در ولایت بغلان بخاطر تاخیر به درخواست های شان دست به اعتصاب غذایی زدند. در سال ۲۰۰۸ اعتصاب های غذایی مشابه دیگر در زندان پل چرخ (۱۸-۲۳ مارچ ۲۰۰۸) و مرکز سلب آزادی وزارت عدلیه در کندهار رخ داد. در جریان مرحله اول نظارت، ۶۰ فیصد قضایای نظارت شده در زون مرکز (کابل، پنجشیر، پروان، کاپیسا، لوگر و وردک) که منتظر استیناف خواهی بودند از معیاد شان ۲ ماه سپری گردید. در یک قضیه شناسایی شده در خوست، یک مرد متهم به قتل برای تقریباً ۲ سال در انتظار فیصله محکمه استیناف ولایت خوست ماند. قضایای تخطی از محدوده زمانی در زون و مرحله نظارت دریافت گردید.
۸۵. در جریان مرحله اول نظارت، از جمله ۳۴ قضیه در حال تعلیق در محکمه ابتدایی ولایات کندز، بغلان، بدخشان و تخار، معیاد ۱۹ قضیه (یا ۵۶ فیصد) آنها سپری شده بود. در زون جنوب شرق (ولایات پکتیا، پکتیکا، خوست و غزنی) نماد های از تاخیر در مرحله اول نظارت شناسایی شده. بعد از نظارت تغییرات اندکی به نظر رسید. طور مثال، ۲ زن متهم به قتل که بتاريخ ۲۷ مارچ ۲۰۰۷ دستگیر و صورت دعوای شان در وقت معین درج گردیده بودند، مدت ۷ ماه را در انتظار محاکمه سپری کردند.

۸۶. طور مثال، در ولایت خوست ناظرین دریافتند که ۲ مرد متهم به فساد که معیاد محکومیت شان تکمیل گردیده بود اضافه تر از ۴ ماه را در توقیف سپری کردند.
۸۷. دیگران بخاطر نپرداختن جریمه که جزء محکومیت شان بود، آزاد نگردیدند. چنین قضیه به یک مرد ۲۶ در تخار هم رخ داد که متهم به سرقت بود. علی الرغم فیصله ستره محکمه که بیان مینمود مرد مذکور دوره محکومیت خود را سپری نمود، وی آزاد نگردید. قضیه مشابه دیگر در کندز رخ داد که در آن یک مرد ۵۸ ساله با وجود داشتن سند رهایی، اضافه تر از معیاد محکومیت خود در توقیف ماند. مرد مذکور به اساس تقاضای خانونال اضافه تر ماند بخاطریکه نتوانست جریمه نقدی را که یک جزء محکومیت وی بود بپردازد. به اساس قانون نافذه، در صورتیکه یک محبوس قادر به پرداخت جریمه که یک بخش محکومیت وی را تشکیل میدهد، نباشد دوره حبس وی میتواند برای ۹۰ روز تمدید شود. ازینرو در صورتیکه طرزالعمل های مناسب عملی شده و امریه صادر گردد، دوره حبس میتواند به طور قانونی برای ۶ ماه دیگر تمدید گردد. طرزالعمل ها و امریه ها اغلباً عملی نگردیده و محدوده های زمانی هم در نظر گرفته نمیشوند.
۸۸. یوناما لست همچو محبوسین در کابل را در ماه جولای ۲۰۰۷ جهت اتخاذ اقدامات به ستره محکمه ارائه نمود. ستره محکمه هیچ اقدامی را اتخاذ نکرد. بعد از شورش های پل چرخ در ماهای اپریل/می ۲۰۰۸ یک کمیته متشکل از CSSP، ICRC، وزارت دفاع و وزارت عدلیه به رهایی کسانی اقدام نمود که صرف بخاطر ارائه نکردن ضامن در توقیف بودند. نماد مشابه دیگری در ولایت پروان دیده شد.
۸۹. یادداشت شماره ۹۹۰ مورخ ۲۹ فبروری ۲۰۰۶ شورای عالی ستره محکمه.
۹۰. مفاد ۲۹ تا ۳۱ قانون اساسی افغانستان، مفاد ۵(۷-۳)، ۳۱، ۵۳(۵)، قانون اجراءات جزایی موقت، در میان دیگران.
۹۱. در جریان مرحله اول نظارت، ۸ فیصد (۸۷۹) مصاحبه دهندگان راپور دادند که آنها از حق داشتن وکیل مدافع آگاه ساخته نشده اند. ۵۴.۵ فیصد (۶۱۵) مصاحبه دهنده دیگر راپور دادند که آنها حق ترتیب نمودن دفاعیه شان آگاه نشده اند. این یافته ها عموماً بعد از نظارت تأیید گردید با آنهم انکشافاتی درین زمینه در زون شرق به نظر رسید. در مواردی که توقیف شدگان از حقوق شان آگاه ساخته شده اند، به نظر میرسد که آنها در جریان مرحله اول استماع به واسطه محکمه آگاه ساخته شده اند نه توسط پولیس و خانونال، باوجودیکه این مکلفیت پولیس و خانونال است. (ماده ۵(۷) قانون اجراءات جزایی موقت)
۹۲. طور مثال، در ماه نومبر ۲۰۰۷ راپور داده شد که ۱۰ توقیف شده از ولایات هرات و بادغیس از حق داشتن وکیل مدافع آگاه ساخته شدند که از جمله ۵ تن آنها در جریان بازجویی پولیس و ۳ تن دیگر آنها در جریان محکمه وکیل مدافع داشتند. معمولاً در جریان بازجویی پولیس و خانونالان هیچ وکیل مدافعی حاضر نبود. از جمله کسانی که در جریان مرحله اول نظارت وکیل مدافع داشتند، صرف ۱.۴ فیصد (۱۶) مصاحبه دهنده آنها اظهار نمودند که وکیل مدافع شان در زمان بازجویی پولیس حاضر بوده است، و ۲.۷ فیصد (۳۱) مصاحبه دهنده اظهار نمودند که آنها در زمان بازجویی خانونال وکیل مدافع داشته اند. زون هاییکه در پروژه نظارت سیستم حقوقی اشتراک داشتند به صورت عموم دریافتند که کمتر از نصف توقیف شدگان دارای وکیل مدافع در جریان محکمه بودند. از جمله ۲۶ قضیه نظارت شده در کندز، تخار و بغلان صرف در ۶ قضیه (۲۵ فیصد) آن وکیل مدافع حضور داشت. در هرات، بادغیس، لغمان و ننگرهار، موجودیت وکیل مدافع در نصف قضایا به نظر رسیده است. در جریان مرحله اول نظارت، صرف ۵۱ مصاحبه دهنده (۴.۵ فیصد) موجودیت وکیل مدافع شان در جریان محکمه را بیان داشتند. ازان به بعد تغییرات قابل ملاحظه رونما نگردید. (لطفاً توجه نمایند که در بسیاری زون ها محاکم نظارت شده در جریان پروژه نظارت از سیستم حقوقی آنها بی بودند که در آنها سازمان های مساعدت های حقوقی دخیل بودند. بسیاری اوقات سازمان های مساعدت های حقوقی در زمان استماعات منابع خوب معلوماتی به شمار میرفتند. با در نظر داشت این موضوع آمارها در مورد وکیل مدافع در جریان پروژه نظارت از سیستم حقوقی دقیق نیستند.)
۹۳. یقیناً، در ولایاتیکه سازمان های مساعدت های حقوقی فعالیت میکنند (مانند کندز (نهاد بین المللی حقوقی (ILF))، مزارشریف (میدیکا موندیال و مرکز همکاری برای افغانستان (CCA) برای زنان)، هرات و غزنی (قانون غولتونکی)) احتمال داشتن یک وکیل مدافع بیشتر میباشد. نتایج پروژه نظارت از سیستم حقوقی این موضوع را در بر دارد. از جمله ۳۱ قضیه نظارت شده در ننگرهار و لغمان (درین مناطق ۳ سازمان مساعدت حقوقی فعالیت میکنند) در ۱۹ قضیه آن وکیل مدافع حضور داشت. از جمله ۳۷ قضیه نظارت شده در هرات و بادغیس در ۱۶ قضیه آن وکیل مدافع وجود داشت.
۹۴. قضایای ذیل مثال های اندکی اند. در ناحیه سوم شهر فیض آباد ولایت بدخشان، یک مرد متهم به سرقت ادعا نمود که بتاريخ ۱ فبروری ۲۰۰۷ دو تن پولیس بمنظور وادار کردن وی به اعتراف دستانش را با بارود سوختاندند. بتاريخ ۶ سپتمبر ۲۰۰۷، ادعا شد که پولیس دو مرد متهم به سرقت را در ولسوالی امام صاحب ولایت کندز به منظور وادار کردن به اعتراف مورد لت و کوب قرار داد. خانونال نظامی ولسوالی نیلی ولایت دایکندی اعتراف نمود که وی دو مرد متهم به قتل را به سیلی زده است. متهمین مذکور ادعا نموده بودند که خانونال مذکور آنها را بخاطر وادار کردن به اعتراف به جرم قتل بتاريخ ۲۴ جون ۲۰۰۷ مورد شکنجه قرار داد. در ولسوالی دند ولایت کندهار، ۳ مردی که بتاريخ ۱۵ جون ۲۰۰۷ به اتهام دست داشتن با عناصر ضد دولتی دستگیر گردیدند ادعا کردند که آنها بخاطر اینکه به جرم خود اعتراف نمایند توسط پولیس با قنداق تفنگ مورد لت و کوب قرار گرفته، تهدید به تسلیم کردن به قوای امریکایی شده و بعداً قبل از انتقال شان به مرکز سلب آزادی وزارت عدلیه بتاريخ ۱۶ جون ۲۰۰۷ توسط پولیس ناحیه ۳ شهر کندهار مورد لت و کوب قرار گرفتند.
۹۵. یگانه چیزی که تفاوت داشت آن بود که قوفیف شدگان را از حقوق شان آگاه نساخته بودند. طور مثال، معمولاً در زون جنوب غرب هرگاه پولیس در آگاه ساختن توقیف شدگان ازین حق شان کوتاهی مینمود، خانونال و محکمه نیز آنها را آگاه نمی ساختند. در زون شمال، نه پولیس و نه هم خانونال توقیف شدگان را ازین حق شان آگاه ساختند در حالیکه در زون غرب پولیس، خانونالان و قضات توقیف شدگان را ازین حق شان آگاه نساختند.

۹۶. به اساس یادداشت مشترک مورخ ۷ نومبر ۲۰۰۷ کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و یوناما به جواب یادداشتی از زون شمال.
۹۷. این فرضیه در حالیکه در سیستم غیر رسمی عدالت موجود نیست احتمالاً از اینکه عدالت عمدتاً در سطح محل جائیکه ناقضین معمولاً سریعتر با یک سطح اطمینان شناسایی میشوند، ناشی میشود.
۹۸. اظهارات و عملکرد پولیس، څارنوالان و محاکم نشان میدهند که این برداشت وجود داشته و فراگیر میباشد. اظهاراتی چون «حقوق بشر کار ما را مختل میکند» و عملکردهای چون آگاه نساختن محبوسین از حقوق شان یا یا هم مانع شدن از وکیل مدافع نمایانگر این برداشت ها هستند.
۹۹. ایضاً.
۱۰۰. برای بحث بیشتر لطفاً به منبع ذیل مراجعه نمایید: وزارت امور زنان، دیتابیس عمومی خشونت علیه زنان و UNODC، افغانستان: زنان توقیفی و ادغام مجدد اجتماعی آنها، مارچ ۲۰۰۷، برای مباحثه بیشتر در مورد وضعیت زنان در افغانستان.
۱۰۱. در مورد قضایا به بخش ۳ الف (۲) (ب) مراجعه نمایید.
۱۰۲. به منبع ذیل مراجعه نمایید: UNODC، تطبیق راه های بدیل برای حبس، در پرتو معیارهای بین المللی و قانون افغانستان، می ۲۰۰۸، http://www.unodc.org/documents/justice-and-prison-reform/Afghanistan_Implementing_Alternatives_Imprisonment.pdf
۱۰۳. زمانیکه قانون اجراءات جزایی موقت و قانون محابس و محلات توقیف با هم مورد آزمایش قرار گرفتند، به نظر میرسد که صلاحیت ابتدایی نظارت از مراکز سلب آزادی وزارت عدلیه به لوی څارنوالی داده است. مسؤولین مراکز سلب آزادی وزارت عدلیه مسؤولیت دارند تا به مجرد اكمال معیاد قانونی پیش بینی شده در قانون اجراءات جزایی مؤقت یا ختم حکم محکمه (ماده ۲۰ (۴) و ماده ۴۹ قانون محابس و محلات توقیف برای قبل از محکمه/رهایی؛ ماده ۵۰ قانون محابس برای زندانیان) توقیف شده گان و زندانیان را رها نماید. از طرف دیگر به اساس قوانین فعلی افغانستان لوی څارنوالی (به خصوص څارنوال ابتدایی و څارنوال نظارت) مسؤولیت نظارت از قانونمندی توقیف و حکم رهایی در صورت خودسرانه و غیر قانونی بودن توقیف و همچنان تطابق با معیاد زمانی و اجرای حکم نهایی محکمه را دارد (ماده ۶ (۳)، ۸ (۴)، ۳۴ (۲)، ۳۶ و ۸۴ قانون اجراءات جزایی موقت و ماده ۲۲ و ۵۱ قانون محابس و مراکز سلب آزادی). تحت قوانین فعلی میتواند حکم آزادی بدهد ولی احکام واضح برای اجرای آن توسط محکمه وجود ندارد، به هر صورت چنین یک صلاحیتی اعمال شده میتواند. به هر حال با توجه به واقعیت های سیستم عدالت جزایی افغان چنین صلاحیتی باید واضح باشد.
۱۰۴. به اساس مباحثاتی که در ورکشاپ مورخ ۳۰ نومبر ۲۰۰۸ یوناما و UNODC صورت گرفت "توقیف خود سرانه و معافیت".
۱۰۵. به ستراتیژی ملی سکاتور عدالت برای مباحثه در مورد وضعیت نهاد های عدالت مراجعه نمایید.
۱۰۶. ماده ۵۱، قانون محابس و مراکز سلب آزادی.
۱۰۷. ماده ۱ و ۴ (الف) و (ب)، امریه شماره ۰۲۰ وزارت داخله، در مورد حفاظت از حقوق بشر در جریان وظایف پولیس، وظایف و صلاحیت های افسران حقوق بشر در دفاتر مرکزی پولیس در ولایات، مورخ ۳۰ نومبر ۲۰۰۵.
۱۰۸. مباحثات با مسؤولین مراکز سلب آزادی و څارنوالان در سراسر دوره ارزیابی نشان داد که گر چه بعضی څارنوالان به دوره توقیف رسیدگی مینمایند اما چنین نظارت به صورت منظم و همگون در سراسر کشور وجود نداشت. باوجودیکه به نظر میرسید که مسؤولین حقوق بشر پولیس ملی افغانستان هنوز هم در حال آشنا ساختن خود و همکاران شان با دستور آنها اند اما با هم تا یک اندازه نظارت به عمل می آورند. اما به هر صورت مشخص نبود که رؤسای پولیس به مشکل به یافته ها پاسخ میگفتند و هم در صورت عدم پاسخ به نگرانی ها جوابگو بودند.

